

# قیام ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

آرژان مرکزی نهضت مقاومت ملی ایران

حسینی مسکان

## دسته گل آقای وزیر!

وزیر با زرگان جمهوری اسلامی - آقای حسن عابدی جعفری - در پاسخ گزارش دو هزار و صد کلمه بی کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، بنوبه خود گزارش مبسوطی انتشار داده است.

کمیسیون اصل ۹۰ یکی از کمیسیون های مجلس شورای است که وظیفه دا رد عرایض مردم را از نظر عمل قوه مجریه و قسوه قضا شیه پیگیری کند و چنانچه موارد مختلف را محقق دانست گزارش تحقیقات خود را انتشار دهد.

بقیه در صفحه ۱۲

اجلاس عادی شورای

نهضت مقاومت ملی ایران

اجلاس عادی شورای نهضت مقاومت ملی ایران، روز ۱۱ بهمن ماه ۱۳۶۵ برابر با ۳۱ ژانویه ۱۹۷۸، به ریاست دکتر شایسته پوری، رهبر نهضت تشکیل شد. در آغاز زده کتربخشی را، در باره برگذاری سمنار "ایران امروز" ایران فراد که در ماه دسامبر گذشته در مونیخ برگزار شده بود و نتایج موفقیت آمیز آن، گزارشی به شورای داد.

بقیه در صفحه ۱۱

## انجیل حسن نیت!

بوین دکستر و کلنل آلبرورث رئیس و معاون شورای امنیت ملی، انجیل امضا شده ای را به عنوان نشانه حسن نیت آمریکا به جمهوری اسلامی هدیه داد و مقامات رژیم خمینی این هدیه را در شهر فرانکفورت آلمان تحویل گرفته و قبول کردند.

سخنگوی کاخ سفید اضا فیه کرد که در جریان مذاکرات بینانی مقامات جمهوری اسلامی آمریکا، گفتگوهای مبسوطی پیرامون مذهب و میراث مذهبی مشترک اسلام و مسیحیت و بهبودیت انجام گرفت تا نما یندگان رژیم جمهوری اسلامی تفهیم شوند که در آمریکا و سایر ممالک نیز مردم خدا پرست هستند و به مبنای دین و اصول مذهبی اعتقاد دارند.

لاری اسپیکس اظهار داشت: انجیل امضاء شده رئیس جمهوری آمریکا به این خاطر تحویل نمایندگان رژیم تهران داده شد تا بداند که مذاکره کنندگان آمریکایی نمایندگان رسمی رونا لدریگان و دولت آمریکا هستند.

لازم به یادآوری است که توصیه کنندگان طرح امضای انجیل توسط ریگان، یعنی دریا سالار بوین دکستر و سرهنگ الیور نورث، هر دو از ریکیار شده اند.

است که من خلاف اخلاق می دانم که کسی بتواند احتمال معاوضه گروگان های بی گناه را با مجرمان، یعنی نقاش و آدمکشانش، در نظر گیرد. ملاحظه کنید، در جنگ جهانی دوم، بی تقوایی سیاسی در مونیخ آغاز می شود در "پرل هاربر" اقدام می یابد. ریگان که پس از چهار صد و هجده روز و چهار ساعت دیپلمات های آمریکایی در تهران، از راه می رسد و سوگند می خورد که دیگر چنین اتفاقی رخ نخواهد داد! امروز جنگ افزاری جمهوری اسلامی می فرودد. با یادگفت که این همان بی تقوایی سیاسی است که تکرار می شود.

بقیه در صفحه ۲

عوج بهمار آنها:

## قیم و اصفهان هدف هر روزه

ایران شبیه شب ۳۱ ژانویه موشک دیگری به سوی بغداد دیرتا با کرده در نتیجه انفجار آن دهها نفر در یکی از محل های پایتخت عراق کشته و یا مجروح شدند. ساعتی بعد هواپیما های عراقی به آسمان ایران حمله بردند و نوا حی مسکونی را در اصفهان و تبریز بمباران کردند. عراق اعلام داشت که موشک های ایرانی شامگاه روز ۳۰ ژانویه در بغداد آبیسه

بقیه در صفحه ۱۱

## خانم تا چر راست نمی گوید

در این مورد طرح کردند. چندی پیش رهبر حزب لیبرال انگلستان با ردیگر از خانم تا چر خواست تا به این موضوع پاسخ دهد که چرا دولت وی برخلاف تسوونین بین المللی و تعهدات انگلستان به یکی از طرفین درگیر در جنگ تجهیزات نبردمی فرودد. در ترجمه نامه اخیر آقای دیویدا ستیل خطاب به خانم تا چر می بیند که وی جوابیه نخست وزیر را نا کافی و خلاف واقع دانست. و سؤال خود را با ردیگر مطرح کرده است.

بقیه در صفحه ۱۱

مصاحبه روزنامه فرانسوی کونیدین با دکتر شایسته پوری

## غرب نباید با رژیم جنایتکار خمینی معامله کند

به سرکردگی انیس نقاش که خمینی آن را به ریاست اعزام کرده بود، تا کام ماند، اما در این ماجرا، یک ماه مورلیس و یک زن همسایه کشته شدند و ما مور پلیس دیگر، ما دام العمر معلول شد. انیس نقاش اکنون در فرانسه زندانی است. تروریست های لبنانی با رها خواستار آزادی اعضای این گروه کوماندویی در برابری آزادی گروگان های فرانسوی اسیر در لبنان شده اند.

کونیدین - آیا قابل درک می دانید که فرانسوی انیس نقاش را با گروگان های فرانسوی اسیر در لبنان معاوضه کند؟ شایسته پوری - آزاد سازی نقاش و همداستانش، به دولت شما ربط دارد نه به من. آنچه من می توانم بگویم، این

شایسته پوری، به مدت ۲۷ روز از نوپه تا ۱۱ فوریه ۱۹۷۹، نخست وزیری ایران را بر عهده داشت. بختیار که به اندیشه های آزادمنشانه اش، شهرت دارد و به همین سبب، زمان شاه چندین بار زندانی شد، از دوران کوتاه مدت زمان مداریش سودجسته، ساواک را منحل کرد و آزادی مطبوعات را برقرار ساخت، اما این اقدام های اصلاحی، با آنکه به بنیادی بود، دیگر برای پیشگیری از سقوط رژیم و خاصه، مها رکردن موج اسلامی که سرانجام، ایران را در خود پیوتا نسد، کافی نبود.

بختیار، سرانجام، تبعید در فرانسه را برگزید. در ژوئیه ۱۹۸۰ سوء قصد علیه بختیار به وسیله یک گروه کوماندویی

نادر نیک بین

## اخلاق ضد علم

موفق بوده است. در حالی که استادان با سواد و با تجربه دانشگاه های ما پیش از موقع بازنشسته، بیکار یا بیسه اصطلاح پاکسازی شده اند، مرتد ریسی دانش آموزان و دانشجویان به کمانی واگذا رگرددیده است که اگر از زبردست آنها فارغ التحصیلان کارآمد و پردر خوری بیرون آیند، شگفتی دارد.

این بیسوادی و بی تجربگی استادان اگرچه شامل همه دانشگاهها و موسسه های عالی آموزشی می شود، ولی در دانشکده های پزشکی پیامدهای آن برای جامعه خطرناکتر از همه جا های دیگر است.

بقیه در صفحه ۴

## تلگرام دکتر شایسته پوری

خطاب به

رئیس سازمان کنفرانس اسلامی

این تلگرام، بعد از ظهر روز ۲۶ ژانویه از سوی دکتر شایسته پوری بختیار، رهبر نهضت مقاومت ملی ایران خطاب به رئیس سازمان کنفرانس اسلامی به کویت مخابره شد.

حضرت شیخ جا برا الاحمد الصباح کویت و رئیس سازمان کنفرانس اسلامی.

بیانات جناب عالی در تعلق افتتاحیه پنجمین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، که ضمن آن جنگ ایران و عراق را در راه سنگرانی های دنیای اسلام و اشتغال کنفرانس عنوان کردید، موجب امیدواری بسیار شد.

وقت آن است که نه تنها ملت های مسلمان جهان، بلکه تمام کشورهای و ملت های آگاه و عاقلندیش جهان که با بیعت آمده اند، این جنگ بیجا را برای دو کشور را می دانند و خطر گسترش آن به تمام منطقه را احساس می کنند، کلیه مساعی خود را برای پایان دادن به آن بکار برند.

بقیه در صفحه ۲

شاهنامه فردوسی

و شرح شگفتی های گیتی

در صفحه ۶

مصاحبه روزنامه فرانسوی کوئیدین

غرب نباید

بارزیم جنایتکار خمینی

معامله کند

بقیه از صفحه ۱

به این دلیل، به طور کلی و شخصاً " با هر گونه مذاکره و معامله با کسانی که هیچ قانون اخلاقی و سیاسی را محترم نمی شمارند، مخالفم، حتی به قیمت جان انسان های بی گناه با این گونه مذاکره و معامله مخالفم. من به فزاینده سخت علاقمندم، اما رفتار دولت آن برا مبهوت می سازد، خواه کار، گکار دولت سوسیالیستی باشد، یا دسست راستی.

کوئیدین - از یک نظر کلی تر، آپسا واقع بینانه می دانید که کشورهای غربی، روابط خود را با رژیم خمینی عادی سازند؟

شاپور بختیار - عادی سازی روابط، با دولتی که قوانین بین المللی، عدالت و ابتدایی ترین اصول انسانیت را پایمال می کند؟ با دولتی که جز در اندیشه صدور انقلاب تعصب بارش نیست؟ چرا می خواهید غربی ها مناسبات شان را با چنین دولتی عادی سازند و حال آن که همواره آن را وحشی و بربر توصیف می کنند؟ نمی توان و نباید پدیا خمینی، مردی که به نام او و تحت مسئولیت او، این همه جنایت انجام شده، سازش کرد.

قابل درک می دانم که غرب در آنچه در ایران می گذرد، مداخله نکند، اما به هیچ روی درست نمی دانم که غرب با معامله با رژیم کثونی، بر آنچه در ایران می گذرد، چشم فرو بندد.

در زمان نخست وزیری ام گفتم که خمینی مراد با تارک اندیشی ست، ویرستی در مجول. منافع سقانه، این پیش بینی تحقق یافته است. همچنین گفته ام و تکرار می کنم که خمینی، بدون پشتیبانی غربی ها و به ویژه پشتیبانی انگلیسی ها، شش ماه نبرد و نمی ورد. نیروی اصلی در میان همه نیروهای که از او پشتیبانی می کنند، بول است.

تنها یک نمونه می آورم: هم سه روزه زاپنی ها با خرید نفت، میلیون ها دلار به دامان ملایان می ریزند. آیا نمی توان به آن ها تفهیم کرد که این کار چنانچه برای طمع زیان آور است و نمی توان آن ها را به سوی دیگر فرستادگان آن وقت رهنمون شده تعدادشان نیز کم نیست؟ چنین روشی پس از مدتی برای غرب، مخاطره بار خواهد شد، می توان به شما بگویم که در ایران مردم سخت به چشم آمده اند از این که می بینند بیگانه برای حفظ منافع پلیدش، از رژیم حمایت می کنند که با آن همه خشونت و توحش، ملت ایران را سرکوب می کند.

کوئیدین - آینه ده ایران را چگونه می بینید؟

شاپور بختیار - گوش کنید ما اکثریتی هستیم که خود را ایرانی می دانیم و می خواهیم ایرانی بشویم.

خمینی، دیدگاهی کاملاً متفاوت دارد، به زعم او، ایران وجود ندارد، اسلام وجود دارد که پرچم آن می تواند هم نگونه بر فراز ایران برافراشته شود. به اشتراک در آنچه در تهران، در این رژیم یکگی از نخوت با رترین رژیم های است که گروه زمین تا کهن به خود دیده، مسلمان گرایش های بی وجود دارد که بر سر جانشینی خمینی با یکدیگر جدال می کنند، نیرنگ با زانی چون رفسنجانی یا مارکسیست های هم ردیف رجوی.

باری، ملی گرایان می خواهند به این دوران وحشت و ترور و به این حمام خون که تا ملایان بر سر کارند ادامه خواهد داشت، پایان دهند. در میان ملی گرایان جمهوری خواهان وحشت زدگان رژیم پیشین وجود دارد و مشروطه خواهانسی چون من که هوادار سلطنتی هستند که به برحق و عدالت پایه گذاری شود و از حمایت آراء عمومی برخوردار باشد، مانند آنچه در دموکراسی های غربی در اسپانیا، در بلژیک، در انگلستان و جاهای دیگر، به هر صورت، اصل شکل و ظاهر رژیم نیست، بلکه این است که بتوانیم مردم را بر محور آرمان های بزرگ ملی گرد آوریم و به آنان حق سخن گفتن، حق بیان تفکیکات و نظریات شان را بدهیم.

و اما در آینده نزدیک، بعید نیست که با مرگ خمینی، کوتاه مدتی، رهبری گروهی

کنفرانس اسلامی:

دست و پادر پوست گردو

خیا ننت کرده است.

جایی که حافظ اسد در سالن کنفرانس قرار گرفته بود، جای مطبوعاتی برایش نبود. دوتا کرسی آن طرف تر معاون رئیس جمهوری عراق نشسته بود که میدانیم روابط سوریه و عراقی تا چه حد بحرانی است. دو حزب بعث که در دو کشور عربی حکومت در دست دارند، علیه یکدیگر شمشیرا زربسته اند.

در همان ردیف که کرسی عراق قرار داشت، کمی آنسوتر با سرعتی که جای گرفته بود، حافظ اسد در هر گردش سر و گردن این هر دور می دید و اگر به راست سر بر می گرداند، حسنی مبارک، بیغاله فقط یک سندلسی قرار داشت. اسد میان دشمنان بزرگش که همگی رؤسای کشورهای عرب مسلما ناند قرار گرفته بود و این گویا کافی نبود که صندلی جمیل رئیس جمهوری لبنان نیز جلوی او قرار داشت. یکسالی است که جمیل واسد روابطی سرد و بحرانی دارند.

یک غایب بزرگ کنفرانس صدام حسین بود. تا آخرین روز کنفرانس گمان بر آن بود که او برای چند ساعتی هم که شده باشد، خود را خواهد رساند اما حمله و هجوم ایران به او فرصت نداد و به او که اناق فرمان ستاد ارتش را ترک گوید.

غیبت جمهوری اسلامی بر کنفرانس سران که هدف مهم آن راه جویی برای پایان دادن به جنگ طولانی خلیج فارس است. بسیار ناگوار می آمد. این جنگ را شیخ آل جابر "مصیبتی برای همه ما توصیف کرد و افزود: "گفته ها و شایعات (اصطلاح جمهوری اسلامی) همه شان نادرند، ما هستند."

کوئیدین تا آخرین لحظه کوئیدین که ایران در کنفرانس شرکت کند، حتی گسیل هیئت را به تهران در نظر گرفته بود تا آیت الله را راضی به حضور در کوئیدین نماید. وزیر امور خارجه کوئیدین در این باره گفت: "ما از غیبت ایران متأسفیم اما این غیبت گناه ما نیست."

به این ترتیب و در غیبت یکی از طرفهای درگیر در جنگ چگونه میشد راجع به جنگ خلیج فارس بحث کرد؟

پنجمین کنفرانس سران کشورهای اسلامی که از روز ۲۶ ژانویه در کوئیدین آغاز به کار کرده بود، صبح پنجشنبه ۲۹ ژانویه به کار خود پایان داد.

کنفرانس اسلامی در بیانه نهانی خود ضمن ابراز نگرانی شدید از بالا گرفتن آتش جنگ بین جمهوری اسلامی و عراق خواستار پایان یافتن فوری هرگونه

سازمان کنفرانس اسلامی شامل چهل و شش کشور با نزدیک یک میلیارد نفوس جمعیت است. چهل و ششمین عضو سازمان، نیجریه است که در سال ۱۹۸۶ عضویت این سازمان را پذیرفته است. بنا بر منشور سازمان، همه دولت های کشورهای مسلمان می توانند عضو سازمان کنفرانس اسلامی باشند اما حقیقت آنست که کشورهای مسلمان، تفاوت های بسیار دارند. فی المثل عربستان سعودی شامل جمعیتی صد درصد مسلمان است در حالی که مسلمانان اوگاندا ۳۲ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهد و در برون گنیا فاسو، ۳۶ درصد مردم مسلمانند.

مقر مرکزی سازمان با نهاد های فرعی مختلف در جده برپاست. عضو (ایران غایب است و عضویت افغانستان از سال ۱۹۸۰ با ورود ارتش سرخ به آن کشور دچار تعلیق شده است، لیبی هم شرکت نکرد) از چهل و شش کشور در کوئیدین حاضر شده بودند.

رؤسای بیست و هفت کشور شصت و یک کشور نیز آمده بودند و هشت کشور دیگر معاونان ریاست جمهوری و یا نخست وزیران به کوئیدین فرستادند و نمایندگان هشت عضو دیگر، وزرای امور خارجه یا رئیس مجلس شان بود.

روز افتتاح کوئیدین برای برگذاری کنفرانس سالنی با شکوه و فوق مدرن تهیه دیده بود. سالنی که مخصوص پذیرایی چهل و شش هیأت نمایندگی فراهم آمده است.

روز ۲۶ ژانویه شیخ آل جابر امیر کوئیدین کنفرانس را گشود. اتفاقاً طرفه آنکه امیر کوئیدین وقتی پشت کرسی خطاب قرار گرفت تا به میهمانان خوشامد گوید، کرسی خالی ایران در دست روبرو روی وی قرار داشت. جایگاهها را به ترتیب القبا ی عربی در سالن نهادند بودند و ایران، در ردیف اول و در مرکز دایره، روبروی میزهای تریسه قرار گرفته بود.

شیخ آل جابر در خوشامدگویی به میهمانان به ویژه بر حضور جمهوری عربی مصر تاءکید کرد و گفت: "شادمانیم که مصر به صف ما و در سرزمین کوئیدین باز پیوسته است. از زومی کنیم که سهم مصر (در این اتحاد) کامل و همیشگی باشد." این تاءکید و مجامله نیا بد بر حافظ اسد آن آمده باشد، زیرا هیأت نمایندگی سوریه به اصرار با شرکت حضور مردم در کنفرانس مخالفت می کرد و کشور فراغند را متحدان اسرائیل می خواند: "مصر به نامهای عربی

در ایران پدید آمد، شورایی که فی المثل، در آن رفسنجانی، منتظری و یک نفر دیگر عضو شوند. اما روزی باید که آخوند جای خود را به مردم بسپارد. چنین روزی خواهد رسید.

روزنامه کوئیدین - ۳۱ ژانویه ۱۹۸۷

تلگرام دکتر شاپور بختیار خطاب به رئیس سازمان کنفرانس اسلامی

بقیه از صفحه ۱

این جنگ ۶ ساله بین دو کشور همسایه و همکیش را که علاوه بر ضایعات مادی غیر قابل تخمین، تا کنون صدها هزار کشته و ده ها هزار معلول بجا گذاشته، با بیکی از شدیدترین بحران های جنون عصر حاضرنا مید. دو کشور جهان سوم که می رفتند به برکت ثروت خدا دادا دوجیش کثونی علم و تکنولوژی، عقب ماندگی های خود را جبران کنند و به رفاه های شایسته انسان قرن بیستم دست یابند، متقابلا و متدرجا خود را نا بود می کنند. من، برای شما و سران عالیقدر کشورهای مسلمان - علی رغم سماجت جنون آمیز گروهی که بر کشور من حاکم شده اند و منافع سفاهانه بنا ما سلام به هتک حیثیت اسلام مشغولند - در این امر مهم و حیاتی صمیمانه آرزوی موفقیت می کنم.

شاپور بختیار - پاریس ۲۷ ژانویه ۱۹۸۷ برابر با هفتم بهمن ماه ۱۳۶۵

عملیات نظامی بین دو کشور شد. در بیانه نهانی کنفرانس تاءکید شده است که با بدظرفین به مرزهای شناخته شده، بین المللی با زگردند، اسیران جنگی را مبادله کنند و به منافع خود از راه های مسالمت آمیز پایان دهند. کنفرانس کشورهای مسلمان دعوت کرد که بطور دسته جمعی راهی برای پایان دادن به این جنگ پیدا کنند. این در حالی است که سید علی خامنه ای رئیس جمهوری اسلامی روز ۲۹ ژانویه اظهار داشت که کنفرانس اسلامی به جای پرداختن به مسائل اساسی به مسائل حاشیه ای پرداخته است. به عبارت دیگر رئیس جمهوری اسلامی، جنگ جمهوری اسلامی و عراق را یکی از مسائل حاشیه ای کنفرانس اسلامی قلمداد کرد.

کنفرانس اسلامی که ۴۶ عضو را در شرکت ۴۳ عضو، روز دوشنبه ۲۶ ژانویه در کوئیدین آغاز زیکا رکرد.

جمهوری اسلامی کنفرانس کشورهای اسلامی را تحریم کرد و از فرستادن نماینده به آن خودداری ورزید. از سوی عراق عزت ابراهیم، مرد شماره ۲ این کشور در کنفرانس شرکت کرد. قطعنامه کنفرانس اسلامی بطور عمده دربارهمسائل اساسی مانند: جنگ جمهوری اسلامی و عراق - مسئله خاورمیانه - افغانستان - جنگ لیبی و جاد و سیاست هسته ای اسرائیل.

ابویاژ مرد شماره ۲ الفتح

گروهک های تروریستی در خدمت تهران

لبنانی که به خمینی گرویده و امروز در زندان آل لیه فرانسه زندانی است مورد تقاضاست؟ انیس نقاش مسئول اولین عملیات ایرانی در خارج از کشور و پس از پیروزی انقلاب اسلامی است: "او بنا بر فتوای امام خمینی بسه اقدام برآمد."

ابویاژ می گوید: "عملیات ربودن هواپیما ی بوئینگ افرانس تحت نظر رفیق دوست انجام شده بود. انیس نقاش از زندان نامه ای برای امام خمینی نوشت و اوضاع عرابی وی شرح داد. علاوه بر این برای جمهوری اسلامی لازم و ضروری بود تا نشان دهده که فرزندانش را به ویژه وقتی که این فرزندان از جمله "قهرمان" اند، - رها نمی کند."

ابویاژ می گوید: این تقاضای آزادی نقاش را قبلاً چند بار پیش از این ۱۹۸۶ به پیرزوکس (وزیر امور خارجه فرانسه) و دو هفته بعد، پس از استقرار حکومت شیراک به روبریا تندرو (وزیرداری) گزارش کردم.

بقیه در صفحه ۱۱

ابویاژ مرد شماره ۲ سازمان رهایی بخش فلسطین (الفتح) و مسئول سرورس اطلاعاتی این سازمان عقیده دارد که امروز چون دیروز، شرط اصلی آزادی گروهک های فرانسوی وابسته به آزادی انیس نقاش، رئیس کماندوی مسئول توطئه علیه جان شاپور بختیار است.

ابویاژ می گوید: راه حل مشکل گروهک های فرانسوی در لبنان نه تنها آزادی انیس نقاش است... درخواست های دیگر بتدریج اضافه شده است اما پس از ربودن بوئینگ افرانس در اوت ۱۹۸۴ و بردن آن به تهران تقاضای آزادی نقاش همچنان اساسی است. در آنوقت هواپیما ربایان پنج عضو کماندو را طلب می کردند که به قصد جان شاپور بختیار در ژوئیه ۱۹۸۰ اقدام کرده بودند. ابویاژ می گوید: "من شخصاً نزد رفیق دوست وزیر سیاه پاسداران به شفاعت برآمدم که دست کم مسافران را پیش از منفجر کردن هواپیما خارج کنند. جراتی از انیس نقاش این سناریو را

تظاهرات مونیخ

بنا به گزارش رسیده، واحد شهری نهضت مقاومت ملی ایران، در نظر دارد تا غت ۱۱ روز شنبه ۷ فوریه ۱۹۸۷ - برای اعتراض نسبت به اقدامات جنایت خینی، در مقابل کنسولگری جمهوری اسلامی مونیخ دست به تظاهرات بزند و طی اعلامیه ای از هموطنان مقیم آلمان دعوت نموده است که با شرکت در این تظاهرات سهم خود را در انجام این وظیفه ملی و انسانی انجام دهند.



## تلفات سنگین بمبارانها



آزگروههای خبری نهضت مقاومت ملی ایران

## رادیواکتیو در مواد غذایی

پس از دو سال آزار مثنی، بمباران هفته پیش تهران دوباره همان اضطراب و نگرانیها را در این شهر غمزه زنده کرد. یک هواپیما عراقی، در روز روشن و کمی بعد از ظهر، دونقطه را در شمال شهر بمباران کرد. شاه آبا دنیاوران و ولنچک، هدف اعلام شده، ماء و امقر خمینی بود، اما مسافله ی بعید و بسیار دورا زهم بمبارانها نما یبگر عدم مهارت خلبان های عراقی است، یا صرفاً پوششی برای تخفیف احساسات ضد عراقی علیه این بمباران بوده است. عراقی ها ظاهراً "امیدوار بوده اند" وقتی عنوان کنند که قصد داشته اند بمقر خمینی را در هم بکوبند مردم تلفات و خسارات ناشی از این بمباران را بر "هدف مقدسشان" خوانند بخشد، بمبیکه در ولنچک به یک واحد مسکونی اما بیست کرد، بنا به اظهار مقامات رسمی، سه کشته به جا نهاد، این واحد مسکونی مصدوم بود و در آن یک پاسدار با اعضای خانواده اش میزیست. در این بمباران دوفرزند پاسدار کشته شدند. این واقعه ما را متذکر اولین بمباران عراقی ها در دو سال پیش میکند که منجر به کشته شدن چند نفر شد. در همان موقع، حجت الاسلام رفسنجانی در نماز جمعه با افتخار و همراهِ با وقایع با ورنکردنی خیردا دکه بمب به خانه یک خدا نقلی اما بیست کرده، در آن وقت ها شمی رفسنجانی این واقعه را یک قضای الهی نامید، اما در مورد اولین بمباران اما سال معلوم نیست استدلال حجت الاسلام رفسنجانی چه باشد. جز اینکه ظاهراً بخت با یدای جمهوری اسلامی برگشته باشد. بمب دیگری نیز در همین ولنچک به محوطه ها نشکده علوم زمین دانشگاه ملی اما بیست کرده که تلفات به بسیار نیارده، اما تعداد مجروحین زیاد بوده است. اما بمباران دانشگاه تبریز یکی از فاجعه آمیزترین بمبارانهای دور اخیر "جنگ شهرها" قلمداد میشود. حوالی ده شب، هواپیما های عراقی یک بمب را درست بر سر ساختمان نشکده فنی دانشگاه تبریز انداختند. ۲۶ تن از دانشجویان سال آخر که سرگرم کار روی پروژه ای پایان تحصیلی خود بودند در این بمباران جان باختند. گفته میشود پروژه ها دانشجویان فنی به مهمات سازی مربوط میشود و احتمال داده میشود که مقداری مهمات نیز در ساختمان نشکده فنی موجود بوده، چون انفجارها بی پس از اما بیست بمب رخ داده که قدرت تخریب را تا حدود زیادی بالا برده است برخی از حدسها به این اشاره دارد که احتمالاً دانشجویان دانشدیس روی یک موشک کار می کرده اند. عکس العمل مردم تبریز نسبت به تبلیغات رژیم در زمینه خبرهایی که از بمبارانهای این شهرانتشار میدهد بسیار خشم آلود است. رژیم غالباً "تعداد تلفات و مجروحین تبریز را، بخصوص، نامعلوم اعلام میکند،

هر چند حتی وقتی هم ارتقا می جلی را به عنوان تلفات بمباران شهرها منتشر می کند، معمولاً چنان دورا زواقعیست است که مردم، بسته به موقعیت، یک یا دو صفر جلوی آن ارقام می گذارند و آنرا به عنوان تلفات واقعی بمبارانها قبول میکنند. به عنوان مثال، وقتی در اصطلاحان مجالس ترحیم برای کشته شدگان بمبارانها برگزار میشود، وابستگانیکه دم در مسجد می ایستند به اشخاصی که وارد مسجد میشوند به صراحت یادآور میشوند که این مجلس برای ۸ نفر یا ۱۲ نفر یا ۲۲ نفر برگزار میشود. در حالیکه در همان روز جمهوری اسلامی خیرا زدوسه نفر تلفات داده بوده است. و تا زاین یکی از مجالس ترحیمی است که منعقد شده است. مردم صفهان، بخصوص ساکنان محله قدیمی شهر، محله فروغی که هدف اصلی هواپیما های عراقی است، شهر را تخلیه کرده اند. آنها بی کسه امکانات داشته اند به شهرهای دیگر کوچیده اند. مردم گریخته از بمبارانها در خبا با نهایی یزدشها بیتوته میکنند. طی هربمبارانی معمولاً بین اهالی مصیبت دیده و حزب اللهی های ماء موری که بلافاصله به محل بمباران آورده میشوند تا شعار "جنگ جنگ تا پیروزی" سر بدهند، درگیریهای شدید رخ میدهد. گفته میشود تعداد زیادی از اهالی دستگیر شده اند. رژیم کمبیمناک از بالا گرفتن ناراضیها است، صراحتاً از طریق رادیو صفهان از مزدوران خواسته است که "آشوبگران" را به کمیته ها معرفی کنند. عکس العمل خشم آلود مردم شهرهای مصیبت دیده، با لاف خا منهیی، رئیس جمهور، را وادار کرد تا آمار وارقا می جلی از بمبارانها را تهددویک کاسه میزان تلفات را اعلام ا رد تا برای اعتراض مردم تبریز و صفهان و قم و دزفول و سقز و ناه و بروجرد و همدان و شهرهای دیگری که در معرض بمبارانها بوده اند سریشی بگذارد. حجت الاسلام خا منهیی در نماز جمعه امروز، سوم بهمن ماه، اعلام کرد که هواپیما های عراقی جمعا "۲۹ شهر ایران را ۹۶ بار بمباران کرده اند. تعداد تلفات این بمبارانها ۱۸۰۰ نفر و تعداد مجروحین ۶۰۰۰ نفر بوده است. ارتقا می که حجت الاسلام خا منهیی ارا تهداده، مثل همه چیز دیگر که از سوی جمهوری اسلامی عنوان میشود، یک دروغ محض است. در سنسندج تلفات چنان بالا بوده که ارتقا رسمی آن از ۳۰۰ نفر بالاتر است. تنها در بمباران چارسوق صفهان گفته میشود که بین ۲۰۰ تا ۴۵۰ نفر کشته شده اند. بمباران خوابگاه دانشجویی دختران در همدان تلفات سنگینی داشته است. در قم تعداد تلفات بسیار بالاتر از رقم ارائه شده توسط مقامات رسمی است. در بروجرد تعداد ۳۰۰ فرزند هواپیما های عراقی بر فراز شهر

بقیه در صفحه ۱۰

یک کارشناس سازمان چای کشور خبر از آلوده بودن محصول چای اما سال لاهیجان به مواد رادیواکتیو میدهد. به گفته این کارشناس، محصول اما سال چای لاهیجان که برای صادرات در نظر گرفته شده بود تا جبران کمبود ارزی ناشی از کاهش قیمت نفت را بنما ید وقتی از سوی بازرسان نمونه برداری شده و مورد آزمایش قرار گرفت معلوم شد که دارای مقدار زیادی مواد پرتوزا و در نتیجه غیر قابل مصرف است. به گفته این کارشناس میزان مواد رادیواکتیو موجود در محصول چای اما سال لاهیجان به سه برابر معمول و در نتیجه خطرناک و مضر تعیین شد و صدور آن ممنوع گردید. به گفته همین کارشناس، این چای ها قرار است در اختیار مصرف کنندگان داخلی قرار گیرد. این نخستین بار نیست که اثرات حاصل از فاجعه نیروگاه اتمی چرنوبیل در ایران مشاهده میشود. روزنامه "رسالت" در شماره ۱۶۹، نوزدهم مرداد ماه، درست چند روزی پس از فاجعه چرنوبیل، خبرهای موحشی درباره اثرات این انفجار چاپ کرد. رسالت نوشت: "طبق اطلاعات واصله، اخیراً در شهر آستان ارا از تاء شیرتشتعات اتمی (رادیواکتیو) حاصل از انفجار نیروگاه چرنوبیل دیده شده است. در این شهر چندین باغ میوه از زمین رفته و تعدادی از مردمان شهر دچار زکوری شده اند. برخی از پزشکان و متخصصین نیز وجود تشتعات را در دیوار اکتیو پسته را در آنها و مواد غذایی منطقه تائید کرده اند. چاپ این خبر تکانه دهنده که دولت سعی داشت با بی تفاوتی از کنارتان بگذرد و تا جایی که ممکن است به آن اهمیت ندهد، نگرانیهایی بسیاری در منطقه شمال ایجاد کرد. در عین حال، چاپ این خبر یکی از علت های بود که روزنامه "رسالت" را مواجّه با انتقادات شدید خمینی کرد. گرچه دولت کوشید در برابر نگرانیهایی و اضطراب های مردم خود را خونپر دویی تفاوت نشان دهد، اما گفته میشود حتی محصولات مرکبات اما سال شمال نیز بر کنارتا زتاء شیرت رادیواکتیو پسته نیست. منطقه شمال، به علت نزدیکی با مرز همسایه شمالی، در معرض تهدیدهای پرتوزای ناشی از انفجار نیروگاه چرنوبیل بوده است. تنهها محصولات داخلی نیست که بدون هیچگونه رعایت موازین بهداشتی و در نظر گرفتن سلامت شهروندان در اختیار مصرف کنندگان قرار می گیرد. در نتیجه بی سوادی، بی اطلاعی و عدم درک مسئولیت ما موران جمهوری اسلامی، بتا زگی اقلام وارداتی نیز شدیداً "مشکوک و مظنون به دشتستن مواد رادیواکتیو تلقی شده است. بخصوص در بین مردم شایع است که اقلام وارداتی پنیر و کره و شیر خشک که در آستانه توزیع قرار گرفته و ظاهراً "از کشورهای اروپای شرقی خریداری شده، محصول آب دیده"

پس از انفجار نیروگاه چرنوبیل است که در انبارها روی دست صاحبان نشان مانده بود و هیچ کشوری راضی شد آنها را بخرد و این اقلام به ماء موران بی سواد و بی اطلاع و نادان ولی بسیار رطما غمینی فروخته شده اند. چون ماء موران مذکور در ازای حق حساب حاضر شدند این اقلام معیوب را معامله کنند. طی چند روز پس شایعه که رنگ حقیقت داشت در سراسر ایران پخش شد. عکس العمل مردم اسباب وحشت مقامات رژیم را فرا هم کرد. خطر آن در میان بود که اقلام خریداری شده روی دست رژیم بماند. هر چند مهمتراز این مسأله، آنچه با ید مورد نگرانی جدی مقامات رژیم شده با شد، وسعت بی اعتمادی مردم در مورد حقانیت و مسئولیت شناسی جمهوری اسلامی نسبت به شهروندان است. استدلال مردم آن بود که وقتی حکومتی حاضر میشود به نه های واهی و بوج و صرفاً "برای ادا مهیات خودش هزاران هزار جوان جوشی و پرتوزا در میدان های جنگ به کام مرگ بفرستد چه نگرانی می تواند از کم وزیا دشتن اشعه رادیواکتیو در شیر خشک نوزادان و کره و پنیر مصرفی مردم احساس کند؟ بلافاصله پس از این شایعه، رژیم ناگزیر شد یک مقام و منصب من در آری در سازمان انرژی اتمی به نام "مدیر واحد حفاظت در برابر اشعه" درست کند و این مدیر را با ترتیب دادن مواجّه مطبوعاتی وادار کند که شایعات منتشره در میان مردم را تکذیب کند و یکی متکرر جنین عیبی در اقلام مواد غذایی وارداتی شود. این مقام طی مواجّه مطبوعاتی اعلام کرد هر محموله غذایی که به گمرکات کشور وارد میشود توسط نمایندگان و کارشناسان این واحد مورد با زرسی قرار میگیرد و میزان پرتوزای آن از طریق نمونه گیری و سپس آزمایش در آزمایشگاه مسسورد ارزیابی قرار میگیرد و اگر خدای نکرده مواد غذایی دارای مواد رادیواکتیو پسته باشد به مبداء کالای فرستاده میشود. تمام این مقدمات و تمهیدات برای آن بود که همین مقام وارداتی اعلام دارد که کره وارداتی از کشور نیوزیلند و روگوت خریداری شده و متعلق به قبل از سانحه چرنوبیل بوده است. اما از آنجا که در و غوکم حافظه میشود، این مقام با دش رفت تا در باره پنیر و بخصوص شیر خشک که با ید توسط نوزادان مصرف شود حرفی بزند. بهر حال مردم مورد کره و پنیر تصمیمشان را گرفتند و از خیر آن گذشتند. اما در مورد شیر خشک وضع کاملاً فرق می کند. از آنجا که شیر خشک در باره زار حکم کیمیا را دارد و نوزادان با داشتن کوپن میتوانند از مزایای آن برخوردار شوند، اگر پدر و مادری، بغرض بخواهد از دادن این شیر خشک های آلوده به بچه ها ایشان خودداری کنند با یدشا هد

بقیه در صفحه ۱۱

## اخلاق ضد علم

بقیه از صفحه ۱

کار بیسوادای برخی استادان در دانشکده‌های پزشکی بدانجا رسیده است که خبرنگار روزنامه کیهان (چاپ تهران) از وزیر بهداشت و درمان می‌پرسد: "شنیده‌ام می‌شود که سطح عمومی برخی استادان پزشکی پائین است، نظر شما چیست؟"

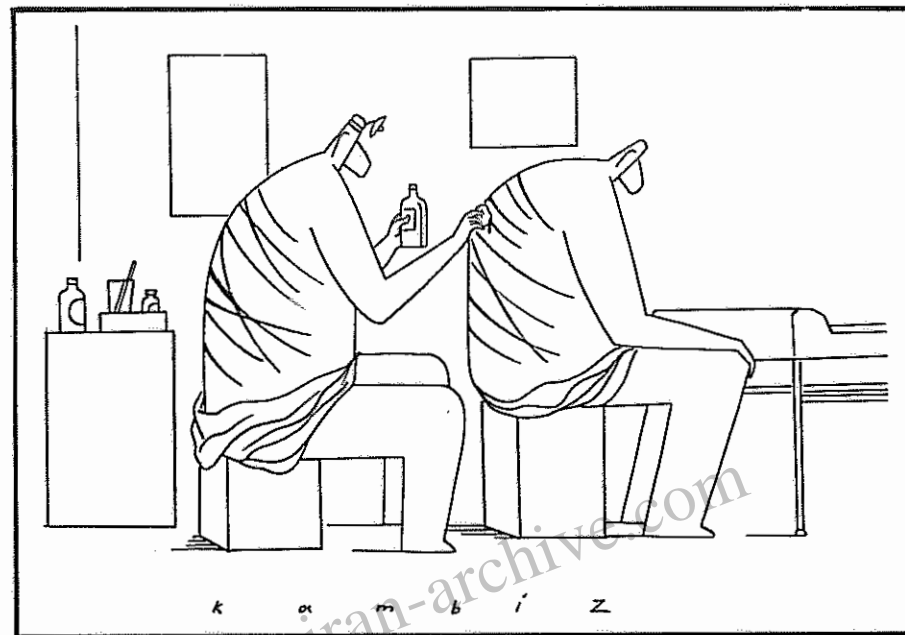
وزیر بهداشت، که بتازگی با حکم کتبی سید احمد خمینی به عضویت شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز درآمده است، به این پرسش خبرنگار جواب منفی نمی‌دهد، نمی‌گوید: نه، استادان بیسواد نیستند، بلکه گناه را به گردن شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌اندازد. می‌گوید: "استادان دانشکده‌ها را شورای عالی انقلاب فرهنگی، که کمیته‌های گزینش استاد هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ علمی گزینش می‌کند، بنا بر این سطح علمی استادان مورد قبول شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیأت گزینش آن بوده است که به عنوان استاد پذیرفته شده‌اند."

بدین ترتیب وزیر بهداشت پس از آن که گناه بیسوادی برخی استادان را به گردن شورای عالی انقلاب فرهنگی انداخت، برای آن که محکم‌کاری کند و خود را زهرگونه‌ها دهنده احتمالی مصون بدارد، می‌افزاید: "ممکن است استادی مسأله خاصی را اشتباه کند، ولی روی هم رفته ما چنین اطلاعی مطلقاً نداریم، یا لاقل گزارشی در این مورد به ما نرسیده است..."

خبرنگار روزنامه کیهان اصلاً نکوشید

به یاد آقای وزیر اسلامی بیاورده که با وجود مخالفت گسترده مقامهای پزشکی و دانشکده‌های و همه کسانی که هنوز با آموزش را در کشور جدی می‌گیرند، چگونه با دسیسه گسترده‌ای دانشکده‌های پزشکی را از دانشکده‌ها جدا ساختند و آنها را زیر

حیث‌کیفی بلکه از حیث کمی نیز لطمه دیده است. وزیر بهداشت، پیش از انتقال دانشکده‌های پزشکی از دانشکده‌ها به وزارتخانه، نامه‌ای می‌گفت اگر این انتقال صورت گیرد، ظرفیت پذیرش دانشکده‌های پزشکی را بسیار بالاتر خواهد بود، و این کار را به گونه‌ای هم کرد، منتها در حرف نه در عمل. بدین معنی که به میزانی بسیار بیشتر از زنگنه‌ایش دانشکده‌ها را دانشجوی پذیرفتند، ولی عملاً از آن منویسی دانشجویان و شرکت‌ها در آن درجریان تدریس خود را می‌کردند.



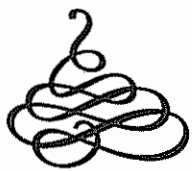
نظارت وزارت بهداشت قرار دادند. در آن روزها همین آقای وزیر بهداشت لاف می‌زد که مکانات آموزشی بسیار بهتر و بیشتری در اختیار دانشجویمان پزشکی قرار خواهد داد، به نحوی که این دانشجویان اصلاً یا در روزهای وابستگی به دانشکده‌ها را نکنند. و اکنون این کسی جز خود او نیست که اعتراف می‌کند آموزش پزشکی نه تنها از

خود وزیر بهداشت استاپین تیرنگ را قبول دارد، می‌گوید: "درست است، ما تعداد دانشجویان پزشکی مان بیش از ظرفیت گرفته شده، و این دو علت دارد: یکی اینکه دانشکده علوم پزشکی حداکثر ظرفیت خود را بیش از آنچه بود اعلام کرد، و دیگر آن که شورای عالی انقلاب فرهنگی در حدود ۲۵ درصد از متقاضیان را رد کرد. بدین ترتیب نه هنگامی که دانشکده علوم

پزشکی ظرفیت خود را بیش از اندازه اعلام می‌کند، وزیر بهداشت خود را گناهکار می‌داند و نه هنگامی که شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۵ درصد از درخواست‌کنندگان را قبول کرده‌اند، گناهکار می‌گردد. اما وزیر بهداشت فرا موش می‌کند که پذیرفتن ۲۵ درصد از درخواست‌کنندگان دو علت نداشت، فقط روی دیگری سکه بود: دانشکده علوم پزشکی ظرفیت خود را عمداً "بیش از اندازه اعلام کرد تا وزارت بهداشت و نمود کند که بهتر از دانشکده‌های کشوری توانا در آموزش پزشکی را پیش ببرد. ولی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۲۵ درصد از قبول‌شدگان مسابقه ورودی را کنار گذاشت تا ظرفیت دانشکده علوم پزشکی را با تعداد دانشجویان هماهنگ گرداند.

اما این فقط اصلاح اشتباهی نبود، وقتی متقاضی بسیار و ظرفیت محدود است، چاره‌ای جز گزین کردن نیست. ولی در یک مؤسسه علمی، معیار گزینش سطح علمی و صلاحیت فنی باید باشد، حال آنکه در گزینش دانشجویان پزشکی، امسال نیز مانند سالهای گذشته، "بهترین‌ها" مطابق این معیار انتخاب نشده‌اند که سطح علمی شان بالاتر از دیگران است، بلکه معیار اصلی "اخلاق اسلامی" بوده است.

کیست که نماند شورای عالی انقلاب فرهنگی بدین ترتیب سطح اخلاق را در دانشکده‌ها بالا نمی‌برد، فقط سطح آموزشی را پائین می‌آورد.



## فرار از بیمار آنها

موج مهاجرت مردم شهرهای بیمارستان شده به سوی نواحی امن به ویژه تهران و شهرهای شمالی ایران ادامه دارد. به گزارش خبرنگار روزنامه کیهان، بر اثر هجوم هزاران تن از اهالی شهرهای کوه دره‌ها و سایر مناطق محروم به تهران، عراقی‌ها و سایر مهاجران، تهران در کورون شده است. افزایش عبور و مرور اتومبیل‌ها با شمارهای کم، همسفران، تیریز و کرم‌نشا در سطح شهر تهران، کمپانی‌های پزشکی با احتیاج روزمره و ازدحام مردم در مقابل فروتنی‌های مواد غذایی و خریدهای ستان بنظر ذخیره‌سازی مواد غذایی از جلوه‌های بارز هجوم اهالی مناطق بیمارستان شده تهران است. در این میان هجوم مردم قم برای خروج از شهرت گرفته است، اما با سدان فقط به افراد غیر محلی اجازه خروج می‌دهند و از خروج ساکنان قم مانع عمل می‌آورند. در بخش دیگری از این گزارش آمده است، در حلقه‌ای که متحرک است نهاد مصلحتی از دانشکده فنی دانشکده تبریز گردید. دو تن از استادان دانشکده تبریز ۲۲ تن از هیئت‌مدیره و استادان همراه با هیئت انضباطی انتظامی رژیم کشته شدند. این افراد در محل دانشکده فنی تبریز، مشغول ساختن مهمات جنگی بودند. بر این اساس گزارش در بیمارستان تبریز، نواحی و محله‌های لاله، نیلوفر، خانی، بیست و پنج شهریور، خیابان خاقانی، مقصودیه، عباسی، خیابان منصور، کوی ولیعهد، حوالی کارخانه برق لامع و بارنج هدف گرفته شده‌اند.

## سرگیجه مطبوعات بین‌المللی

مردم به کسب و کار روزانه مشغولند، بزم‌های شبانه همچنان برپاست، مغازه‌ها پر از ماهی و مرغ و سبزیهای تازه است. پیداست که حداطلاع او از اوضاع جامعه ایران در همان حداطلاعی است که از زبان فارسی دارد و "بهشت زهرا" را به "فواره خون" ترجمه می‌کند! و طرفه اینکه روزنامه‌ها، با رسال در گزارشی که از بغداد می‌فرستادند، تقریباً چیزی همانند دربار "ره" این شهر می‌گفتند. و با طرفه اینکه رسانه‌های جمهوری اسلامی، که معمولاً با "امپریالیسم خبری" و "رسانه‌های زیر نفوذ صهیونیسم" خصومتی آشکار نشان می‌دهند، این گزارش‌ها را با آب و تاب تمام تکرار می‌کنند. به حساب این رسانه‌های خبری تاکنون دوسرزمین ایران و عراق چندبار جنگ را برای همیشه باخته‌اند، به حساب این رسانه‌ها، هربا ریگی از دو طرف چنان صدمه سختی دیده است که دیگر برای سالها

هنگامی که انسان به جنگ خونین شش ساله میان جمهوری اسلامی و عراق می‌نگرد، بعد از زاری از صهیونیسم آن را می‌بیند. مدام کشته‌ها را شمارش کردن، مدام از مجروحان آمار برداشتن، مدام سیران را به پشت جبهه فرستادن، و گهگاه نمایندگان رسانه‌های همگانی را به دیدار میدان‌های جنگ بردن - اینها رویدادهایی است که کمترنگاه‌های به حتی یک قدم فراسوی آن‌ها می‌افتد، و اگر هم بیفتد، مایه دلمشغولی رسانه‌های همگانی بین‌المللی نیست. بتازگی فرستاده روزنامه مه مه بین‌المللی "هرالد تریبون" در گزارشی از تهران، گورستان "بهشت زهرا" را "فواره خون" ترجمه کرده نوشته است که "فواره خون" تعبیه شده در مدخل "بهشت زهرا" نام خود را به این گورستان بزرگ تهران داده است. همین روزنامه، در همین گزارش نوشته است که در تهران، انگار رنده نگار که جنگی در جریان است،

نمی‌توانند کم راست کنند، با زهم حساب این رسانه‌ها هر بار رپیروزی یکی دیگری چنان چشمگیر بوده است که کاشنا سان مهم‌نظاری انگشت به دهان مانده‌اند.

آیا از این تحسین‌ها با یدبا دیده آستین افکنند، یا به عکس از آن تکذیب‌ها باید ملول شد؟ هیچ سببی برای بادیه آستین افکندن وجود ندارد، ولی اسباب ملال از آنرو می‌پاست که دولت، که هیچ سبب واقعی برای دشمنی ندارد، در یک صحنه خونین نبردی طولانی به چنان یکدیگر افتاده اند و نماند تا چپا تی که هیچ علاقه‌ای به سر نوشت آنها ندارند، یک بار برای این و بار دیگر برای آن کف می‌زنند و هورا می‌کشند. آیا آیت‌الله خمینی این را می‌داند که در روز قدیم‌ها چنان نسبت به کلادیا تورها چه احساس داشتند؟ آنها را در ردیف انسان نمی‌دانستند، ولی در وقت مصاف برای آنها کف می‌زدند و هورا می‌کشیدند. خمینی ملت‌های ما را عملاً تا سطح کلادیا تورها پائین آورده است.



### ایران و خاورمیانه



### در مطبوعات بین‌المللی

### ریگان

## من خطر کردم

طبق گزارش‌های رسیده از واشنگتن - روز سه شنبه ۲۷ ژانویه رونالد ریگان در نطق سالانه خود که طبق سنت آمریکا در اوائل هر سال تحت عنوان "تشریح وضع ایالات متحده" از سوی مقام ریاست جمهوری در برابر پرکنگراه ایراد می‌شود، سعی کرد با کوچک جلوه دادن قضیه فروش اسلحه به جمهوری اسلامی جنجال مشهور به "ایران گیت" را بخواباند و آنرا در اذهان عمومی به فراموشی بسپارد، اما پاسخ فوری و انتقاد شدید پوزسیون دمکرات و مطبوعات آمریکا گویای آنست که ریگان در این تلاش موفقیتی بدست نیاورد.

بنوشته خبرگزاری فرانسه، در نطق طولانی پنجه‌زاکلمه‌ای خود، ریگان که بسیار رسد و محکم به نظر می‌رسید فقط دو بار کلمات "ایران گیت" را به قضاوت مضمون نه اسلحه به جمهوری اسلامی اختصاص داده بود و حال آنکه حزب دمکرات، مطبوعات و مردم آمریکا انتظار داشتند که رئیس جمهوری جزئیات ترحم معامله با جمهوری اسلامی و نکات مبهم و مرموز ماجرای "ایران گیت" و ارسال پول فـروش اسلحه به شورشیان نیکی را گویا فاش کند. ولی برخلاف انتظار همه، ریگان فقط به این جمله بسنده کرد که:

"اشتباه‌ها این بزرگی صورت گرفته است که تمام مسئولیت آن را شخصا برعهده می‌گیریم." برزیدنت ریگان اضافه کرد: "من در مورد ایران ریسک کردم و متأسفانه این ریسک، با شکست روبه‌رو گردید. ولی گذشته‌ها گذشت و مردم آمریکا نباید از این شکست یک عقده بسازند بلکه باید با دیدگاه منافع ملی این ماجرا را فراموش کرده و پیش به سوی آینده رفت. به ویژه آنکه نگاه تمام مردم دنیا بطرف آمریکا خیره شده و ما نباید بگذاریم که اختلافات جناحی و درونی ما با تضعیف کشورمان گردد."

خبرگزاری فرانسه می‌افزاید: اظهارات سنا توررا برت برد، رهبر حزب اکثریت دمکرات در سنا که بلافاصله بعد از نطق ریگان با مطبوعات مواجه شده است نشان می‌دهد که توضیحات کوتاه ریگان در باره ماجرای ایران، مخالفان دولت را به هیچ وجه قانع نکرده است.

این خبرگزاری به نقل از سنا - توررا برت برد می‌نویسد: مسئله فروش مخفیانه اسلحه به جمهوری اسلامی مسئله‌ای نیست که بشود تا سال‌ها گذشته و بی‌فراوانی موشی سپرد. این قضیه، اطمینان ملت آمریکا را از دولت ریگان سلب کرده و کفایت و صلاحیت دولت را مورد پرسش قرار داده است.

سنا توررا برت برد اضافه کرد: دولت ریگان موظف است تمام حقایق را با زگو کند. و توضیح دهد که چه تحولاتی باعث شده که در آزادی‌های گروه‌ها آنها به معامله اسلحه سوق داده شود و ریگان با پیدا اعلام کند که مسئولیت تعیین سیاست در کجاست؟

گزارش‌ها حاکی است که در نطق ۲۷ ژانویه خود ریگان اظهار داشت که قضیه ایران بدان معنا نیست که سیاست آمریکا در منطقه تغییر کرده، بلکه تا کید کرد که سیاست آمریکا همان سیاست قبلی است و چنانچه منافع آمریکا با دوستان آمریکا در منطقه در معرض خطر قرار نگیرد، واشنگتن بیگوار نخواهد نشست و به جای گیری تروریست‌ها نیز تن در نخواهد داد.

با این حال ریگان برای نخستین بار اعتراف کرد که یکی از دلایل معامله با جمهوری اسلامی بخواه آنرا دی‌گروگانهای

آمریکایی در لبنان بوده است. این اظهارات با گفته‌های قبلی ریگان که تاکنون کیدداشت هدف از ایجاد رابطه با تهران جلب آزادی گروه‌ها نبوده معایرت دارد.

خبرگزاری ریها - ۲۸ ژانویه ۸۷

## مبارک واسد

به گزارش خبرگزاری رسمی کویت، عصر روز سه شنبه ۲۷ ژانویه برای نخستین بار پس از قطع مناسبات سوریه و مصر دیدار کوتاهی بین رهبران دو کشور در کنفرانس سران اسلامی در کویت رخ داد. به گزارش خبرگزاری کویت، هنگامی که حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه و حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر، برای ادا نطق‌های خود به سوی سئالین کنفرانس می‌رفتند تا یکدیگر را ببینند و در جریان سفر، برخلاف انتظار رهبران دو کشور با تسمیه‌سوی یکدیگر رفتند و مدتی طولانی دست یکدیگر را فشردند و پس از مکالمه‌ای کوتاه در خودرو بسوی سئالین کنفرانس ادامه دادند.

سوریه رسال ۱۳۵۸ پس از امضاء بیمان کمپ دیوید بین مصر و اسرائیل، روابط خود را با مصر قطع کرد.

حافظ اسد همچنین در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی "القبس"، "حسنی مبارک" را "مردی جالب" توصیف کرد و افزود: اختلافات سوریه و مصر جنبه سیاسی دارند جنبه شخصی.

خبرگزاری ریها - ۲۸ ژانویه ۸۷

## آدم ربایی‌ها

روز ۲۸ ژانویه گروهک جدیدی موسوم به جهاد اسلامی برای آزادی فلسطین، مسئولیت ربودن چهار سئاد دانشگاه آمریکا بی بیروت را برعهده گرفت. طی بیانیه‌ای در چارمفچه به زبان عربی همراه با تصویری از ابراهیم بلهیل یکی از سئادان ربوده شده، که به یک خبرنگاری غربی در بیروت فرستاده شد، این گروهک تروریستی ضمن اعلام رسیدن ربودن آنان، هر چهار تن را به جاسوسی برای آمریکا زیر پوشش تدریس در دانشگاه متهم کرد.

سه آمریکایی دیگر، آلن استین استیاد ارتباطات، جسی ترنر استادیات و کا میونتر، و یک هندی تبعه‌ای آمریکا موسوم به "میتلی لئواریسینگ" رئیس دانشکده مدیریت است. این چهار تن روز ۲۴ ژانویه توسط تروریست‌های ملیس‌بها و نیغورم پلیس در داخل دانشگاه با زداشت شدند.

در این بیانیه همچنین به شدت از اسرار عرافت به خاطر نقش وی در روابط مصر و اسرائیل انتقاد شده است. در بیانیه گفته می‌شود جنبش اسلامی یا به زانو درآوردن بزرگترین کرگ استکبار جهانی، درس خوبی به همه داده است. سپس بیانیه به انتقاد از کنفرانس اسلامی پرداخته می‌نویسد: اکثر دولتهای عرب حاضر در کویت علیه ملل مسلمانان

متحد شده‌اند. از سوی دیگری مقام مسئول آمریکایی گفت: مسلمانی است که رژیم جمهوری اسلامی بر حزب الله لبنان نفوذ دارد، همچنانکه حزب الله لبنان نیز خود را طرفدار جمهوری اسلامی نشان داده است.

## شهر سوگواران

جرالد ساید، خبرنگار وال استریت جورنال که از تهران با دیدمی کند، در گزارشی زیر عنوان روزهای تهران می‌نویسد: گورستان‌های با بخت ایران، به طوعی با زارهاست.

جرالد ساید می‌نویسد: کرچه تهران بظاهرا ز دسترس جنگ ایران و عراق دور است، اما در آن گورستانی وجود دارد که در آن نمی‌توان مرگ و وحشت را نادیده گرفت. گورستانی به نام بهشت زهرا.

بهشت زهرا گورستان وسیعی است در خارج از شهر تهران، گورستانی که به "شهیدان" جبهه تقدیم شده است. در سراسر ایران و عراق، در این مکان بهترا زهرجا میتوان نهایت کشتار و رنج انسان‌ها را که از جنگ ناشی می‌شود دید و دریافت.

هزاران گوردکنرا هم، همچون مجتمع‌های خانه‌های سازمانی ردیف شده‌اند. و علائم رهنما عزاداران را یکراست به سوی مجتمع‌های گورها راهنما می‌کند در میان نه گورستان فوارهای عظیم با آبی سرخ رنگ می‌جوشد تا با آوارخون بر خاک ریخته‌کسانی با شکوه در این مکان آرا گرفته‌اند. جرالد ساید که از گورستان بهشت زهرا بازدید کرده، در شرح مشاهدات خود در این گورستان می‌نویسد:

هم اکنون سه‌کاروان سوگواران همزمان در راه است. مردان، در نزدیکی در ورودی گورستان جسدی بر فراز سرشان می‌برند و زنان مویه‌کنان در پی آنها با می‌کشند. گوشه‌ای دیگر، در همان نزدیکی نعشی را در گوری تازه حفر شده نهاده‌اند و چند زن خویشتن را بر سر او، گریان و مویان به درون چاله‌گور او خیزانده‌اند تا تا چند دقیقه‌ای بیشتر در کنارش باشند. شمار عزاداران دسته سوم چندان انبوه است که گوردیده نمی‌شود. جرالد ساید می‌افزاید:

از یاد می‌شمار گشتگان در کنار رهبر مردگان شهرک تازه‌ای می‌سازند همزمان با حرکت کاروان‌ها، مرگ، بولدوزر زرد رنگی نیز در جوار گورستان زمین را صاف و آماده می‌کند و تابوت‌های چوبی تنگ و نازک بسوی انتظار رنوبت در این سوی و آن سوی پراکنده‌اند.

وال استریت جورنال - ۲۸ ژانویه

## استثنای واقعه

جرج بوش معاون ریاست جمهوری آمریکا در مصاحبه‌ای با تلویزیون بی بی سی، آمریکا اظهار داشت: فروش اسلحه به جمهوری اسلامی سیاستی "قابل بحث" است اما نمی‌توان آن را "اشتباه" نامید.

جرج بوش که در پاسخ به پرسش‌های گزارشگر تلویزیون بی بی سی در مورد فروش اسلحه به جمهوری اسلامی سخن می‌گفت افزود: "گرچه ممکن است در نظر اول این سیاست اشتباه به نظر برسد، اما این موضوع قابل بحث است. و اگر موقعیت مهم جغرافیایی ایران را در نظر بگیریم این سیاست شاید قابل توجیه هم باشد. این مکان نیز وجود داشته که تحویل مقادیر کمی اسلحه به جمهوری اسلامی به برقراری رابطه با عناصر میانه‌رو در جمهوری اسلامی منتهی شود و در ازمدت به حل مناسبات جمهوری اسلامی و عراق بینجامد.

معاون ریاست جمهوری آمریکا افزود: در نگاه اول چنین به نظر می‌رسد که فروش اسلحه به رژیم‌های که حامی تروریسم است کاری اشتباه بشمار می‌رود، اما گاهی اشتباهات عده‌گانی را تا ناید می‌کند. جرج بوش اضافه کرد: در حال برعهده تاریخ است که ثابت کند این سیاست، سیاستی اشتباه آمیز بوده است یا نه.

## آمریکا و جمهوری اسلامی

جورج شولتز، وزیر امور خارجه آمریکا روز ۲۷ ژانویه اظهار داشت که در صورتی که جمهوری اسلامی سیاست تروریستی و تعرض آمیز خود را بکنار نگذارد، ایالات متحده حاضر است روابط خود را با این کشور بهبود بخشد.

شولتز که در برابر کمیسیون روابط خارجی سنا سخن می‌گفت اظهار داشت که در روز ۱۳ دسامبر گذشته، دو ماه مورچه‌جوری اسلامی با نمایندگان دولت آمریکا در فرا تکفورت ملاقات کردند. اما از آن پس دیگر ارتباطی بین دو کشور وجود نداشته است. وی افزود با وجود این، از گروگانگیری تهران به بعد همواره میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی از طریق حکمیت رابطه وجود داشته است. شولتز در باره چگونگی این حکمیت توضیحی نداد.

وی همچنین تا کید کرد که پس از فروش پنجاه اسلحه به رژیم تهران که به تصویب و تأیید برزیدنت ریگان رسیده بود هرگز قانون تحریم ارسال و فروش اسلحه به ایران چه مستقیم یا غیر مستقیم، نقض نشده است. وی در مورد ملاقات ۱۳ دسامبر توضیح داد که این ملاقات صرفاً به این منظور بوده است که ایالات متحده به جمهوری اسلامی پیغام دهد که قصد ندارد از آن پس اسلحه به ایران تحویل دهد. بنا به نوشته روزنامه‌های آمریکا، در این ملاقات نمایندگان رژیم تهران طرحی برای تهیه اسلحه از آمریکا و آزاد سازی زندانیان کویت در برابر آزاد کردن گروگانهای آمریکا یعنی تسلیم نمایندگان دولت آمریکا کردند. شولتز نیز ضمن گفته‌های خود تا کید کرد که جرج کیوی، یک مقام عالی رتبه مخالفت‌های وزیر خارجه ندکی پس از ۱۳ دسامبر ملاقات دیگری با یک نماینده رژیم تهران داشته است.

## در کنفرانس کویت

جنگ میان جمهوری اسلامی عراق، روز سه شنبه ۲۷ ژانویه در صدر مذاکرات پنجمین اجلاس کنفرانس اسلامی قرار داشت و پیشینه‌ها دهی جدیدی برای پایان دادن به این جنگ مطرح شد. از جمله توسل به داور بین المللی و همچنین قطع تحویل اسلحه به دو طرف درگیر در جنگ.

بر اساس همین گزارش، پرزیدنت کولار دبیرکل سازمان ملل متحد، که در کنفرانس اسلامی به عنوان میهمان شرکت کرده است روز سه شنبه ۲۶ ژانویه طی خطبه‌ای گفت: مسئله جنگ خلیج فارس باید به یک کمیته ذیصلاح واگذار شود تا بتواند به میانجی‌گری دست بزند. لازم به یادآوری است در کوشش‌هایی که تا بحال در این راه به کار رفته، جمهوری اسلامی همواره اصرار داشته است که قبیل از هرگونه مذاکره‌ای، عراق به عنوان متجاوز شناخته شود.

پرزیدنت کولار در باره این کمیته توضیح بیشتری نداد اما افزود که برای انجام چنین کاری، نخست باید میان دو طرف آتش بس برقرار شود، تا کوشش‌های میانجیگری نتیجه برسد.

از سوی دیگر حافظ اسد رئیس جمهوری سوریه، پس از فشردن دست‌حسنی مبارک رئیس جمهوری مصر، در راهروی تالار کنفرانس طی نطقی، به انتقاد دلالیمی از روش مصر دست زد.

بعلاوه حافظ اسد او مین جمایل رئیس جمهوری لبنان نیز پس از یکسال کدورت روز ۲۷ ژانویه در حاشیه جلسه، با یکدیگر ملاقات و گفتگو کردند.

خبرگزاری ریها - ۲۷ ژانویه ۸۷

## تلفن خبری

نهضت مقاومت ملی ایران - لندن

شماره ۲۲۱۰۶۶۸

فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

شاهنامه فردوسی و شرح شگفتی های گیتی

تصوری که همگان از شاهنامه استاد دپوسی دارند، و تا حد زیادی نیز به حقیقت نزدیک است، این است که شاهنامه کتابی است تا ریخی و حماسی. این تصور درست است، با این حال بسیار رجزهای دیگر نیز هست که اگر بخواهیم قدیم ترین منبع و منشأ آن را در زبان و ادب فارسی جستجو کنیم، باید به شاهنامه هر وی آوریم.

ز شهر برهمن بجایی رسید یکی بی کران رزف دریا بدیدد بسان زنان مرد، پوشیده روی همی رفت با جامه و رنگ و بوی زبانها نه تازی و نه خسروی نه ترکی نه چینی و نه یهلوی هم آنگاه کوهی برآمد ز آب بدو پاره شذر در چون آفتاب سکندر یکی تیز کشتی بچست که آنرا ببیند به دیده درست دانایان و فیلسوفان اسکندر را از این کار با زدا شدند. گروهی نزدیک سی تن از رومیان و پارسیان، کشتی گرفتند و بدین کوه نزدیک شدند، اما یکی زرد ماهی بدان لخت کوه هم آنگاه چون آنگاه اندر آمد گروه فرو برد کشتی هم اندر تاب هم آن کوه شد ناپدید اندر آب اسکندر از آن جا بگذشت و به نیستانی رسید که نی های آن چون چناری ستر بود و بالای آن به پنجاه گز می رسید. از آن جا گذشتند و به کناری دریا بی ژرف با آبی شیرین و گوارا رسیدند. لشکر فرود آمد و سرا برده ها زدند و مستقر شدند، اما این ناحیه پرا ز آفت های گوناگون بود: جو خوردند و کردند آهنگ خواب بسی ماریجان برآمد ز آب وزان بیشه کزدم جو آتش برنگ جهان تدبیر آن فختگان تار و تنگ بهر گوشه ای در، فراوان بگرد بزرگان دانا و مردان گُرد ز یکسو فراوان بیامد گراز جوامس دندانهای دراز زدست دگر شیر، موش زکاو کدیا جنگ ایشان نبد زور و تا و سیاهش ز دریا بیگسو شدند بر آن نیستانی آتش اندر زدند بکشتند چندان ز شیران که راه بیکبار یکی تنگ شد بر سیاه

تومردی بزرگی و نامت بلند در نام بر خویشتن در میند که گویند با زن بر آویختی ز آویختن نیز بگریختی یکی ننگ باشد تور ازین سخن که تا هست گیتی، نگردد کهن جو خواهی که بانامداران روم بیایی بگردی به مرزهروم جو باراستی باشی و مردمی نه بینی جز از خوبی و خیر می اسکندر نیز بدیشان پاسخی موافق می دهد و دیدار را ز شهر زنان به خوبی و خوشی برگزارد می شود اگر چه سپاه اسکندر در راه بر شرب و باد، و سپس گرمای شدید لطمه بسیار می بیند.

ظلمات، چشمه حیوان

اسکندر پس از گذشتن از شهر زنان به مغرب می رود که در آن ناحیه مردمانی سرخ روی و زرد موی می زیستند. مردم آن شهر به طاعت و فرمان برداری پیش اسکندر آمدند. سکندر بر سر از سرکشان که ایدر (= اینجا) جدا رد شگفتی نشان چنین گفت با او یکی مرد پیر که ای شاه نیک اختر و شهر گیر یکی آنگیرست زان روی شهر کزان آب کس را ندیدیم بهر جو خورشید تابان بدانجا رسید بر آن زرف دریا شوندا بدیدد پس چشمه در، تیره گردید چنان شود آشکارای گیتی نهسان وز آن جای تار یک چندان سخن شنیدم که هرگز نیاید به شن خریدافته مردیزدان بر سرست بدو در یکی چشمه گوید که هست گشاده سخن مرد برای و کام همی آب حیوانش خواند بنام سپس خاصیت آب حیوان را شرح می دهد. اسکندر از او می پرسد که چگونه در آن جای تار یک تو این رفت؟ پیر میگوید: در بها شاره می گوید: "از آن راه برگشته با بد نشست." این باب نیز بعد از افسانه ها پرا خسته اند که برای بیرون شدن از ظلمات با بدما دیان های را برگزید که هنوز از کوه خود جدا نشده اند، و کوه را بیرون از ظلمات نگاه داشت. مادیا را به زنگشت را به بوی کوه خویش خواهد یافت.

زنگیان، نرم پایان

اسکندر در راه خویش به دیا زنگیان رسید و گروهی انبوه از ایشان بکشت. چون شب شد کردن ها حمله آوردند. اسکندر ناگزیر زره پوشید و به جنگ آنان رفت: یکی پیش رو بود مهتر ز پیل بر سر بر زو (= شاخ) داشت هرگز نیل ازین نامداران فراوان بکشت بسی حمله بردند و ندمود پشت بکشتند فرجام کارش بتیتر یکی آهین کوه بد پیل گیر پس از آن گذار اسکندر به دیا زنگیان می افتد. ایشان همانند که در داستان های بعدی به دوال پسا و دوال پایان معروف شده اند و در بسیاری از کتاب های افسانه، رد پای ایشان را توان یافت. در شاهنامه فقط گفته شده است که اسکندر بسیاری از ایشان را بکشت. در قصه های متاخر دوال پا پهلوانان را فریب می دهد و برگردن ایشان سوار می شود و آنان را مرکب خود می سازد و به چپ و راست می تازد تا زدن پهلوانان به زحمتی از شرش رها می شوند.

شهر زنان

همی رفت بانامداران روم بدان ناستان شد که خوانی هر دم که آن شهریکسوزنان داشتند کسی را در آن شهرنگذاشتند سوی راست پستان چو آن زنان بسان یکی نار بر بر نیسان سوی چپ به کردا ریوینده مرد که جوش میبوشد به روز نبرد توصیف فردوسی از شهر زنان، مجمل و مبهم است، اسکندر نسا مه ای بدیشان می نویسد و آنان را به طاعت فرا می خواند و آن را با مردی داننده و خوش سخن بدیشان می رساند. زنان پس از خواندن نامه چینی سخن پاسخ می دهند: بی اندازه در شهر ما برزنت بهر برزنی بر، هزاران زنت همه شب به گفتن جنگ اندریم ز بهر زونی بتنگ اندریم ز چندان یکی را نبودست شوی که دوشیزگانیم و پوشیده روی زهر سو که آبی برایم بوم و بر بجز زرف دریا نبینی گذر سپس دریا ره طرز زاد و ولد کردن خود توضیح می دهد که چندان مفهوم نیست و احتمال می رود که در نسخه های چاپی موجود، تحریف شده باشد. زنان در پایان نامه بدومی نویسد:

سپس شرح رفتن اسکندر به ظلمات و جستجوی چشمه حیوان است که بسیار مختصر سروده شده: اسکندر سپاه را در شهرستان مغرب بگذاشت. چندان مردشکیبا از میسان لشکر برگزید و راهی چالاک برای آن راه بگرفت. آذوقه چهل روزه نیز برداشت و به راه افتاد. و را اندران خضر برداری زن (= مشاور) سرنامداران آن انجمن سکندر بیامد به فرمان او بدو گفت کای مرد بیدار دل یکی تیز گردان بدین کار دل دو مژه است بامن که چون آفتاب بتابد شب تیره چون بیند آب یکی زان تو بر گیر و در پیش باش نگهبان جان و تن خویش باش دگر مبره باشد مرا شمع راه بتاریکی اندر شوم با سپاه ظاهرا "این مهره" افسانه ای همان "گوهر شب چراغ" است که در آن باب نیز داستان ها پرا خسته اند. به هر روی، آنان دور و زود و شب با هم در تاریکی راه پیمودند: سه دیگر بتاریکی اندر دو راه پدید آمد و گم شد از خضر شاه پیمبر سوی آب حیوان کشید سرزندگانی به کیوان کشید بر آن آب روشن سروتن بشتت نکه دار رجز پاک یزدان نجست خضر بر سر دوراهی از راه درست رفت و به چشمه حیوان راه یافت. اسکندر از راه دیگر رفت و بی نصیب از ظلمات برآمد. به قول خواجه حافظ: سکندر رانمی بخشند آبی به زور و زرمیسترنیست این کار این داستان، و جزئیات صحنه های گوناگون آن، با عیب انگیزت مضمون های بسیار در ادب فارسی شسته، و ضرب المثل های چندین زان پدید آمده است. در شاهنامه زبسیاری شگفتی های دیگر نیز در این سفر گفتگو شده که از میان آن ها به ذکر همین یکی اکتفا می کنیم:

شهر برهمنان

وز آن جایگه لشکر اندر کشید دمان تا به شهر برهمن رسید... سکندر چو روی برهمن بدیدد بر آن گونه آوازیان شنید دوان و برهنه تن و پای و سر زنان بی بروجان ز دانش ببر ز برگ گیا پوشش، از تخم، خورد بر آسوده از رزم و روز نبرد جو و خواب و آرام برداشت و کوه برهنه بهر جای کشته گزوه همه خوردنیشان بر میوه دار ز تخم گیا زسته بر کوهسار از ارش (= زیر جامه اش) یکی چرم نخچیر بود گیا پوشش و خوردن آزی بر بود سکندر بر رسیدش از خواب و خوردن از آسایش روز ننگ و نبرد خردمند گفت ای جهانگیر مرد کس از ما نکوشد بننگ و نبرد ز پوشیدنی و زگسترندنی همه بی نیازیم از خوردنی برهنه چو زاید ز مادر کسی نباید که نا زدی پوشش بسی وز ایدر برهنه شود با چاک همه جای ترس است و تیماروباک زمین بسترو پوشش از آسمان بره دیده بان تا کی آید زمان (= اجل) این برهمنان در شاهنامه به خردمندی معرفی شده اند. اسکندر نیز می گوید که جز گفتگو با ایشان هیچ منظوری ندارد. وقتی هم قدم به سرزمین ایشان نهاد در کس برهمنان وی را پذیرد. اسکندر از وی پرسش ها کرد و پاسخها شنید که به صورت مشروح در شاهنامه آمده است. سپس بدیشان بسیار رجزها بخشید و چیزی از آن ها نگرفت و بی آزردن ایشان روی به خا و رنهاد.

مردان پوشیده روی

همی رفت منزل به منزل بر راه ز ره رنجه و مانده یکسریاه



نوشتۀ م. روزنتال  
از روزنا مه اینترنشنال هرا لدرتربییون  
سه شنبه ۱۳ ژانویه ۱۹۸۷

# سالگردهای هرگ

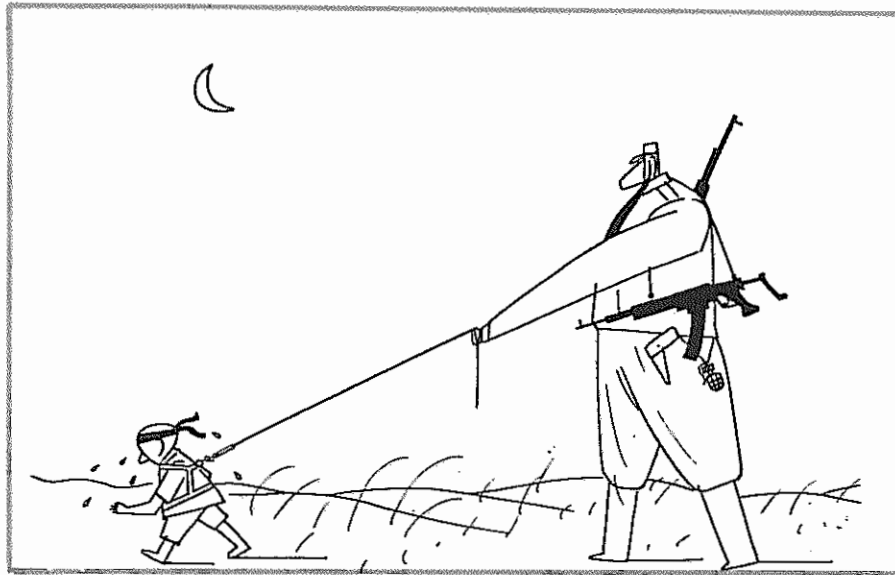
ابزار معالسه سیاسی - چیزی جز انسان -  
زندانی انسان ها به شیوه ای مذهبی  
نیست. این را نباید به حساب قشری گری  
ایرانی گذاشت. این حسابگری  
ایرانی است.

من در اورشلیم با رهبران اسرائیل  
گفت و گو کردم. برآشفت و عصبی بودند و  
در دفاع از خود دست و پا می زدند و عذرو  
بها نمی آوردند. از وحشتشان از عراق  
که دشمن ایران است می گفتند و از  
شوقشان به اینکه آمریکا را از خود خشنود  
و در عین حال به خود مدیون سازند. در  
آمریکا سخن از نفوذ کردن در "میان راه"  
ها می رود که ظاهراً هیچ کس نمی  
تواند هویت آنها را مشخص سازد، و این  
همه با دادن هواپیما های پرازا سلاح به  
حکومتی تندرو که بناست "میان راه"  
ها پیش آن را "میان راه" سازند. آیت الله  
اهل شوخی نیست، این را همه می دانند.  
اما با پیدا زاین ما چرا از زنده روده بسر  
شده با شد.

و حال دل دولت ریگان و عذر تراشان  
تحقیقاتی اش به این خوش است که با  
دادن سلاح به ایران دیگر رژیم تهران  
به آمریکا "شیطان بزرگ" نمی گویند.  
بلکه میبغان آیت الله خمینی این  
لقب را به دیو دود شده تخفیف داده اند.  
اما واقعیت آنست که آمریکا دوباره  
شیطان بزرگ خواهد شد، مگر آنکه  
همچنان سرکشیه نظامی و سیاسی اش را  
شل کند، چرا، مذاکره با هر دولتی

بذیرفتنی است. اما آیا قاچاق اسلحه  
ممنوع برای میبغان امرگ هم پذیرفتنی  
است؟ با زبیرسی ها و تحقیقاتی آدا مه  
دارند تا تا مشروعیت این معامله را با  
آوردن جزئیات دربارا که کسی که کار را  
بسر بردند، بیوشا نند. و اوری دربارا  
کسانی که آدامیان را از آنسا نیت مسی-  
اندازند نیز زنده دگا و کنگره نندارد.  
این کار از زمین و شما همساخته است.

بخاطر احترام، آری بخاطر احترام به  
سالگردهای امروز و فردا، دلیل آوری ها  
و بیاهنتی های و آشکنگت و اورشلیم  
با یدمتوقف شود. تا همین جا همه چیز  
روشن است. هم برای من و هم شاید برای  
بسی کسان دیگر.



را از دشمن سلب می کنند و او را در اعماق  
دوزخ می افکنند؛ شیطان، آمریکای  
شیطان، قدرت های شیطان، نیروهای  
شیطان.  
نازی ها برای فرستادن آدمها به اتاقهای  
مرگ کلماتی بکار می بردند که از جنبه  
نژادی انسان ها را غیر انسانی می کرد.  
اما ایران آیت الله از فن اهریمن  
سازی استفاده می کند. آدمیان را اهل خیر  
و شر، به شیطان و رستگار را تقسیم می کند  
تا آنرا را به راه آن خلسه شورا نکیز  
کفر و ایمان، به جنگ صلیبی، به کشتار و  
مرگ فرزندان خدا در راه عزت و جلال خدا  
بکشاند. همین اهریمن سازی، است که چشم  
تروریست های از تخمه ایرانی را  
بر انسان بودن طعمه ها شان می بندد.  
دریا نورد آمریکا، یهودی تترک،  
مسیحی لبنانی همه و همه هدف مرگ اند.  
گروگان گیری - یا تبدیل انسانها به

گاه های مقدس رهنمون می شود.  
کلمات چنان طرح می شوند که بتوانند  
برای آنها که از حق زیستن محروم  
می گردند چنانی جدا گانه بیافرینند.  
هدف از کلماتی که آلمانی ها در دوران  
هیتلر بکار می بردند، مانند: کرهها -  
انگلیها - دون مردمان - آن بود که  
به مرگ آفرینان، به خبرچینان و به  
جاسوسان ملت آلمان حق دهنده محکومان  
بویژه یهودیان را انسان نیندازند.  
در جریان رودخانه نهرت از این هدف تا  
اتاق گاز قذمی پیش نمی آید.  
آیت الله خمینی و پیروانش تنها با یک  
کلمه - کلمه مرگ - آتش نهرت را روشن  
نگاه می دارند: مرگ ترا مرگ، مرگ بر  
صهیونیسم، مرگ، مرگ، مرگ و با زهم  
مرگ، نه فقط بر ملت ها که بر همه مخالفان  
مرگ بر منافع آن امرگ برخاسته اند  
و البته این لعنتی است که آنسا نیت

چندی پیش فکری به سرم آمد که هنوز که هنوز  
است از زمین دست بردار نیست؛ که امروز  
سالگرد کشتار هزاران یهودی، لهستانی،  
روسی، کولی، واکرا ثینی بدست  
آلمانهاست. فردا هم سالگرد کشتار  
هزاران تن یهودی، لهستانی، روسی،  
کولی، واکرا ثینی بدست آلمانها خواهد  
بود و بیرون نیز چنین سالگردی بوده است.  
در آن روزگار رهولناکی که حتی تصور  
نیز از عهد ما بیرون است آنقدر انسان  
کشته شده بر آستی هر روزی را می توان  
سالگرد مرگ دانست.  
فردای روزی که از اسلحه دادن آمریکا و  
اسرائیل به ایران با خیر شدیم نیز همین  
فکر به سرم آمد. در آغا ز چندا ن ربطی میان  
این دو فکر که در سرم می لولید - یعنی  
دادن اسلحه به ایران و سالگرد مرگ -  
در دنیا فتم. به گمانم به این دلیل که در  
آن هنگام در راه سفر خود به خاور میانه و  
در اسرائیل بودم و ذهنم خود بخود از  
ربط دادن این دو اندیشه سرباز می زد.  
اما اکنون این رابطه را بوضوح می بینم.  
درواقع اکنون وجود این رابطه براساس  
مسلم است و براساس معنی دارد.  
این خود از آن دست وقایعی است که بر  
تاریخ یک کشور تا شیری خاص می گذارد  
و در عین حال ما را به حیرت می آورد. و

واقعه برای ما معنوی تحوی می یابد.  
تا شیری ما اجرا بر من چندان عمیق  
بود که آدم سوزان را برآیم تا می کرد.  
آیت الله خمینی هیتلر نیست، اما بین  
این دو تن پیوندی مستقیم وجود دارد.  
همان پیوندی که همه مردان خطرناک  
را بهم می پیوندد، پیوندی از جنس  
نهرت، نهرتی چندان عمیق که از همه  
بستگی ها و وابستگی های انسانی فراتر  
می گذرد. نهرتی که تا لوده بینشش  
خاصی از هستی قرار می گیرد که بنا بر آن  
تصور وجود بشریت مشترک به کنساری  
نهاد می شود و ساکنان زمین به دو گروه  
رستگار و ملعونان تقسیم می شود.  
یعنی گروهی که تا بسته زنده بودن اند و  
گروهی که در خور مرگ اند.  
این همان بینشی است که با کلمات و  
شعارها و ویژه آغامی شود روبه سوی  
هدفی ایدئولوژیک و مشخصی در آرزو آن  
پس یکسره به سوی اتاقهای گاز یاکور -

## شاهنامه فردوسی

### و شرح شگفتی های گیتی

چو آمد بتاریکی اندر سپاه  
خروشی برآمد ز کوه سیاه  
که هر کس که برداردا ز کوه سنگ  
پشیمان شود زان که دارد به چنگ  
و گیر بر ندارد پشیمان شود  
بهر درد دل سوی درمان شود  
سپه سوی آواز نهاد گوش  
بر اندیشه شد هر کسی زان خروش  
که برداردا آن سنگ اگر (= یا) بگذرد  
پی رنج نآسده شمشرد  
یکی گفت کاین رنج هست از گناه  
پشیمانی و سنگ بردن به راه  
دگر گفت لختی بیاید کشید  
مگر در دورنجش نباید چشید  
یکی بردان سنگ و دیگر نبرد  
یکی دیگر از کاهلی داشت خرد  
چو از آب حیوان بهامون شدند  
ز تاریکی راه بیرون شدند  
بجستند هر کس بر آستی (= آستین)  
پدیدار شد کسری و کاستی  
کناری یکی پرزیا قوت بود  
یکی را پیرا ز گوه را ناستود  
پشیمان شد آنکس که گداشت او  
ز برجد چنان خوار بگذاشت او  
پشیمان تر آنکس که خود بر نداشت  
از آن گوه پیربها سر بگذاشت (= بگردانید)

### سدیاجوج و ما جوج

اسکندر پس از دیدن مغرب به سوی شمال می آمد. چون  
مردم از او استقبال می کنند می پرسد این جا چه شگفتی  
وجود دارد؟  
زبان برگزاندند بر شهریار  
به نالیدن از گردش روزگار

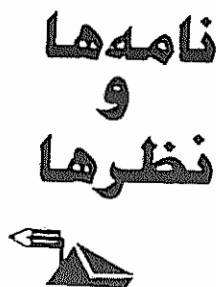
اسکندر خواستار سخن گفتن درختان شد. وی را بدان جا  
راه نمایی کردند. چون ظهرفرا رسید خروشی سمگین از  
درخت برخاست. اسکندر از ترجمان معنی آن را باز  
پرسید. با سخن ترجمان نومیدکننده بود:  
چنین داد پاسخ گاهای نیکبخت  
همی گوید این برگ شاخ درخت  
که چندین سکندر چه پوید بدهر  
که برداشت از نیکویی ها ش بهر  
زنا هیش چون سال شدر بدو هفت  
ز نخت بزرگی بیاید رفت  
اسکندر با اندوه تمام تا نیم شب صبر کرد تا سخن درخت  
دیگر را نیز بشنود. گفته های درخت دومین نیز چیزی جز  
سرزنش آزمندی وی برای گشتن برگرد چنان و تشخیر آن  
نبود. سرانجام از ترجمان خواست که از درخت بپرسد آیا  
خواهد توانست به روم (= یونان) باز گردد تا مادرش وی  
را زنده ببیند؟  
چنین گفت با شاه، گویا درخت  
که کوتاه کن روز و بر بندرخت  
نه ما درخت بیند نه خویشان به روم  
نه پوشیده رویان (= زنان) آن مرزوبوم  
به شهرکسان مرگت آید، نه دیسر  
شودا خترو تاج و تخت از توسیر

اسکندریا نامراد ای از آن نقطه که پاییان جهان بسوده  
است با زمی کرد و نخت به چین، سپس به بلوچان، سند،  
یمین و سرتاجا مبه پیل می رسد. بیماری و مرگ وی نیز  
در پیل فرا می رسد. و اسپین شگفتی که اسکندر در راه  
با پیل بدان برمی خورد برب دریا بی ژرف است:  
بیدید آمد از دور مردی سترگ  
پراز زمی با گوشهای بزرگ  
تنش زیرموی اندرون همچونیل  
دو گوشش به کردارد و گوش پیل  
چو دیدند گردنکشان زان نشان  
ببرند پیش سکندر کشان  
سکندر نگه کرد و خیره ماند  
بروبرهمی نامیزدان بخواند  
چه مردی بود گفت، نام توجیست  
ز دریا چه بای و کام توجیست  
بدو گفت شاها مراباب و مام  
همان گوش بستر نهادند نام  
"گوش بستر" نیز بعدها بسیار مورد استفاده داستان  
سرایان قرار گرفت. آنان نام این گروه را عوض کرده و  
ایشان را "کلیم گوش" نامیده اند بدین اعتبار که در  
هنگام خفتن از گوش به جای بستن زیر اندازوا ز گوش  
دیگر به عنوان پوشش روی اندازا استفاده می کرده و  
درون گوش های خود می خفته اند.

که ما را یکی کاریش است سخت  
بگویم با شاه پیروز بخت  
ز چیزی که ما را بدو تاب نیست  
ز پاء جوج و ماء جوج مان خواب نیست  
همه رویها شان چو روی هیون (= اسب)  
زبانها سیه دیده ها پرزخون  
سپه روی و دندانها چون گراز  
که با رده شدن نزد ایشان فرار  
همه تن پراز موی و تنها چونیل  
ببروسینه و گوشها شان چوپیل  
بخسیند و یک گوش بستر کنند  
دگر برتن خویش چا در کنند  
ز هر ماده ای بچه زاید هزار  
کم و بیش ایشان که داند شمار  
به گرد آمدن چون ستوران شوند  
تگ آردند و برسان گران شوند  
بسته شدن سد پاء جوج و ماء جوج داستانی است که تا زگی  
ندارد. نکته جالب وصف این قوم به روایت شاهنامه  
است که مختصری از آن را یاد کردیم.

### درختان سخنگو

اسکندر را ادا می دهد و به شهری آباد و مردمی مهربان  
برمی خورد و طبق معمول خویش از عجبای آن شهر جویا  
می شود.  
چنین داد پاسخ بدو رهنمای  
که ای شاه پیروز با کیزه رای  
شگفتیست ای در که اندر جهان  
کسی آن ندید آشکار و نهان  
درختی است ای در (= این جا) دوین گشته جفت  
که چونان شگفتی نشاید بهفت  
یکی ماده و دیگری نر آوی  
سخن گوید شاخ با رنگ و بوی  
به شب ماده گویا و بویا شود  
چو روشن شود نر گویا شود  
ببرسید زبمان که اکنون درخت  
سخن کی سراید با وا ز سخت  
چنین داد پاسخ بدو ترجمان  
که از روز چون بگذرد زان زمان (= ساعت)  
سخن گوی گردد یکی زین درخت  
که آواز او بشنود نیکبخت  
شب تیره گون ماده گویا شود  
بروبرگ چون مشک بویا شود



حاج نام با تمسبی از نامه‌ها و بسته‌های خوانندگان گرامی فقط برای مسکن کردن نظریات و عقاید و برداشته‌های محلی نویسندگان نام‌هاست و لزوماً به معنای موافقت و هم‌راستی ارگان مرکزی نیست. موافقت و هم‌راستی این بسته‌ها نیست. از نویسندگان نام‌ها تقاضا می‌کنیم نام و نشان خود را ذکر کنند و در صورتیکه نخواهند نامشان چاپ شود یا در آرنیون نامشان محفوظ بماند. افزون بر این، از چاپ نامه‌هایی که در آن‌ها نسبت به اشخاص و گروه‌ها هتک حرمت شود و یا عفت و بزرگواری قلم ملحوظ نگردد، معذوریم. انتخاب عنوان نامه‌ها از ماست.

### اقلیت هم‌صدا

مى دهكده‌برای حقوق اقلیت‌هاى مذهبى اهمیت قائل باشد؟ مسئولان آلمانى در جواب درخواست پناهندگى مذهبى مسیحیان جواب ردیده آنها داده و می گویند شما هنوز در مجلس نماینده‌ها را پیدا کنید که دست‌کم از تعجب شما خبری آوریم، آخر چرا؟ مسئولین آلمان نمی‌خواهند بفهمند یا خودشان را به قول معروف به کوه علی چه می‌زنند، مگر نماینده‌های مسلمان مجلس آلمان آزادى بیان دارند کده بدبخت نماینده عروسی اقلیت‌ها آزادى ایبرا زخواست‌ها را داد شتره باشد؟ آیا می‌شود زشتا درخواست کرد که فریادها را از تیپون شریعه خود به گوش دولت‌های کده اقلیت‌ها پناهندگى سیاسی نمی‌دهند بر ما نیست، این فقط درد من و پدرم دریا برآورد نیست بلکه درد آن‌ها هم هست. بدبختی است که هنوز هم در ایران زندگى می‌کنند و فقط بجا طراپینکه مذهبشان با مذهب خمینی یکی نیست در خطرند، حتى آخوندی به یکی از خویشاوندان ما گفته بود که جسد سربازان مسیحیان با لاشه‌ها ک مسای است، آیا فقط ما را برای این می‌خواهند که جان خود را در جبهه‌ها در راه خمینی و افکار شیطانى اوقنا کنیم و بعد هم جسد ما را در عیزان ما را با لاشه حیوان یکی می‌دانند. وای، وای، وای، ومن هم مثل هر جوان روشنفکر ایرانی و مخالف رژیم غاصب خمینی بجا طرا برای زما لفت خود از ایران گریختم البته با قیمت از دست دادن تمام زندگى و دست‌رنج و زحمت سی سال پیدم که در ارتش خدمت کردوچون نمی‌توانست جو حکومت اسلامی را تحمل کند خا نه نشین شد و بعد هم بجا طرا پینکه پس از رد کردن من از مرز ترکیه، از ترس اینکه برادرم را که کارت معافیت خود را در زمان شاه گرفته بود به گرونگیرند، به آلمان آمدند. آیا این است نتیجه سالها زحمت ورنج و تحمل و بدبختی‌های فراوان که بجا طرا حس انتقا مجویی یک پیرمرد با پیدار روز دست خالی در یک کشور غریبه متقاضی پناهندگى شویم آنهم با این شرایط سخت و بعد هم دولت آلمان بگوید که ما پناهندگى مذهبى نمی‌دهیم، آخر چرا؟ با تمام این مطالبی که خدمتتان عرض کردم متذکر می‌شوم، من یک ایرانی هستم و با شما هم‌صدا شده‌ام می‌گویم، به امید آزادی ایران از دست غاصبان و زندگى آرا مَشِ بخشى در کناره‌ها ریکدیگر.

چنا ب‌آقای دکتر شاپور بختیار رهبر نهضت مقاومت ملی ایران

بیام تبریک چنا بعالی به مسیحیان ایران را به مناسبت آغاز سال ۱۹۸۷ میلادی در تشریه، قیام ایران خواتم، ویا زبیه یاد همبستگی خود با ملت دردمندا ایران افتادم، به‌یاد ددردها بیما افتادم. هر چند که درد ما یکی نیست که سا ده‌بتوان به آن اشاره مختصری نمود. بلکه درد ما دردهای سالهای نکبت‌باری است که بیما ایران عزیز ما برای شما می‌نویسم زشتا رغم و درد در غربت رنج می‌برم و خواستم درد خود را با شما در میان بگذارم و خواهمش می‌کنم مطالب مراد در تشریه‌تان درج نماید تا همه‌جا آندیده‌اقلیت‌های مذهبى بدبخت چه می‌گذرد. وقتی که شاه ایران را ترک کردم ۱۵ سال داشتم و شاهان زهم‌ها شیدن شیرازه، مملکت خودم بودم، دست‌آوردهای آخوندها و جنایتکار، جنگ‌خا نما نوز بود که ما را مجبور به فرار از با دان کرد. صحنه‌های وحشتناک جنگ مدام ذهن و روح جوان مرا آزرده می‌کردا زاینکه دیدم چه آسان حاصل زحمت و رنج سالها اجدا ما و سرمایه مملکت عزیز بریا درفت. ما لفت‌منبست به رژیم بیشتر و بیشتر می‌شد. آخوندها که همه چیز را از ما گرفتند تا لایبیت مذهب هم رسیده بود و این مسئله‌ای بود که زندگى و سرنوشت مرا دستخوش خود کرد. در کرج که به دبیرستان می‌رفتم، جوانان حزب الهی دبیرستان به سراغم آمدند و به‌خاطر اینکه اسم کوچکم ژان بود پسندندای تو آمریکا می‌هستی، بعد از توضیح از من خواستند در جلسات دینی آنها شرکت کرده و در باره اسلام با من صحبت کردند، در جواب بی‌انها گفتم من مسیحی هستم و می‌خواهم مسیحی باقی بمانم که با تهدید آنها روبرو شدم که بعد مدتی معلم تعلیمات دینی که او بسته‌ها نچمن اسلامی دبیرستان بودند به ما آت آنها برخاسته و مجبور به فرار از مدرسه و ترک تحصیل شدم. نه تحصیل، نه کار، نه راه، فعلا لیت فقط چیزا ردیواری خانه، در اول نوجوانی خانه نشین شده بودم بجا طرا اینکده بیما در ترحم خوخوا را ن‌توالهی بیا فتم سعی می‌کردم کمترین ز منزل خارج شوم، اما یک جاسوس محلی از ظرفرت حزب الهی‌ها به عنوان دوست به منزل من زما را راه پیدا کرد تا از افکار رو عقاید و فعالیت‌های من و خانواده‌ام با خبر شود. با توجه به اینکه پدر من ارتشی بود نمی‌توانست پس از سالها خدمت و خیردا را ایستادن جلوی سرچم شیروخورشید حال جلوی پرچم آخوندها خیردا را ایستد. سیاست خمینی برای اقلیت‌ها سیاست وحشتناکی است. شهریور سال ۱۳۵۹ بود که تا جلوی مدرسه سوسن آسوریه‌های آبادان را با تین آوردند بدعسکی‌های مسیحی را از دیوار کلاسیا یا ره‌کرده و عسکی خمینی را به‌جای

آنداشتند. سال بعد از آزادی خوانسندن تعلیمات دینی به زبان مادری را از ما گرفتند و به کلیسا حمله برده و بی‌حرمتی به صحن مقدس دینی ما نمودند. برای همه ملت‌ها رفتار رددینشا نه رژیم خمینی چون روز آشکارا است که با مردم مسلمان ایران چه رفتاری می‌کنند چه رسد به اقلیت‌های مذهبى! و تعجب من بیشتر از این است. با توجه به اینکه همه ملت‌ها حتی دولت جمهوری فدرال آلمان از وضعیت زندگى نا هنجا اقلیت‌های مذهبى در ایران کاملاً آگاه‌هاست با زیرده روی اعمال نا پسند آخوندها می‌کشد. آیا دولت اسلامی به قانون حقوق بشر در ایران اهمیت

خیر، نوجوانان زیرچرا رده‌سال تشکیل می‌دهند، زبی رحمی توهین تعجب نکردم، ولی نتوانستم زخمی که نسبت به تو احساس کردم، جلوگیری کنم. بیایم اینهمه با خود می‌گفتم تا پیدما هوا ره‌ها عسکی‌ها را به‌دقت مخا بره‌نکرده‌باشند، شا پد چشم‌های هوا بیما‌های او اکس خوب کار رنکرده باشد. از خود می‌پرسیدم مگر می‌شود اینهمه جوان بی‌گناهی را که هنوز به سن عقل نرسیده‌اند، این‌جسور خونسرد جلوه‌ها و له‌فرستادو حرا رت زندگى را در بدنهای آنها به‌سرماى مرک مبدل کرد؟ تا اینکه روزنا ما‌ها را دیدم. دانستم که وزارت دفاع آمریکا درست گفته‌است. عسکی‌های جوانان و نوجوانانی را دیدم که پشت لب‌برخی از آنها هنوز سبز نشده بود. غنچه‌های کفی را دیدم که نا‌شگفته برپیر شدند. چرا غم‌سز کوتا‌ها آنها به‌دستندى که توبرا نگین‌های خا موش شد.

بی اختیار به‌یاد روزى افتادم که پس از چندین سال به تهران بازگشته بودی، به یاد آن لحظه‌ای افتادم که در بهشت زهرا نقاب غم بر صورت خود زدی و گفتی که: "من از این ما دران شهیددا ده‌جالت می‌کنم." چه بسیار بودند ما دران ساده‌دلی که حرف‌های آن روز تو را باور کردند. باور کردند که تو خجالت می‌کنی از اینکه ما درى فرزند خود را در راه هدف توقربانی کند. ولی امروز بر همه ما دران دنیا معلوم شده است که تنها چیزی که در وجود تو نیست همین احساس خجالت است. اگر در وجود تو ذره‌ای احساس خجالت وجود داشت، امروز وقت بروز این احساس است. ولی در حالی که با صغیر گل‌پوله‌های گرم‌شا‌خه‌های ترد باغ زندگى در ایران می‌شکنند و خشک می‌شود، با رقه هیج احساسی درنگا سرد تو پیدا نیست. آن روز که جای خجالت کشیدن از ما دران نبود، و انمود کردی که خجالت می‌کنی، اما امروز که بر راستی جای خجالت کشیدن از ما دران داغیده است، هیچ‌نشانى از خجالت در تو دیده نمی‌شود.

در خانه‌ها ده‌های ایرانی، سرفره‌ها شام و نا‌ها ر، دست‌کم‌جای یک فرزند خسالی است، برینمکت‌مذرتسه‌ها‌جای نوجوانانی که در جبهه‌های جنگ بر خاک سه‌لاک افتاده‌اند خجالتی است، ما دران شبها به‌هنگام بچین کردن تختخوابها برای آن فرزندانى که هنوز در کلاسار خوددارند، به‌یاد آن فرزندانى می‌افتند که تا پیدحتی یک گور سردسته جمعی هم آنها را در دل سر خود جای ندادده‌باشد. چه‌سا‌جسا دچچه‌هاى بی‌گنا‌هاى ایرانی که بر آبهای شط العرب همچنان شناور است یا در بیابان طعمه‌ها کرکسها شده است.

راستی خجالت نمی‌کنی از ما دران این بچه‌هایی که از زده‌ها ن برخی از آنها هنوز بوی شیر می‌آید؟ برخی از اینها در سبیلی بودند که با یست در مدرسه یا کوجه با هم‌سن‌وسالان دیگر خود با زبیا بچگانه می‌کردند، حتی برخی هنوز به‌سنی نرسیده بودند که بشودا سا ب‌بازی را از آنها گرفت. از ما دران با غدیده‌بگذریم، از آدم‌های دوروبر خود خجالت نمی‌کنی؟ آیا دران پیرامون، نگا سرزنش آ میزی وجودندار که لحظه‌ای برشودرتنگ کند؟

من خود به چشم دیده‌ام پدران و مادران سوگواری را که برای گریستن در غم عزیزان از دست رفته، خود، خلوت و تنهایی شربا انتظا رمی‌کشیدند، زیر بار بازی شرم‌آور تبریک و تسلیت، میلغان تسو حرمت گریستن آشکارا در غم عزیزان را نیز از بین برده‌است.

پیدا است که نه تنها از پدران و مادران فرزندان دست‌داده‌هیچ خجالت نمی‌کنی، بلکه کاری کرده‌ای که آنان از سوگواری به‌خاطر از دست رفتن جگرگوشه‌ها ایشان خجالت بکشند.

دل‌می‌خواست لحظه‌ای همین قدر احساس در تسواغ می‌کردم که می‌توانستم بگویم: ای مرد، خجالت بکش!

### چرا؟

به‌بیت و دوم بهمن ما چیزی ننمانده است. با ریدر بجا طرمی آوریم که مردم ایران طی ماه‌های زمستان ۱۳۵۷ برخاسته بودند تا حکومت قانون را بر رژیم صهیونیستی که قانون اساسی کشور را بدست ۴۵ سال ن‌ایدیده گرفته بود، تسویل کنند. مردم ایران با استفاده از موقعبت مناسب

سیاسی به‌نمایش عزم‌وراده خود علیه استبداد دودگامکی دست زدند و دیدیم که چون سال‌های ملی و احزاب بیش از این به‌مدت یک ربع قرن تعطیل و منکوب شده بودند، روحانیت ایران با استقاده‌ها زمان و تشکیلات سنتی دینی پیش‌هانگ مبارزات آزادی طلبانه شد. تکرار بقیه‌ها چرا در حمله‌ها بین نامسه کوتاه نمی‌کنند. افزون بر این "ماجرا" چنان زنده و حاضر است که در خاطر نزدیک‌ها ایرانی خلیده‌ها و سباب رنج‌اوست.

آنچه برای من مهم و بصورت بررسی‌های که جواب کافی و شافی بر آن ندارم در ذهنم خا نه‌کرده این است که حکومت استبداد دینی علیرغم نفرت و انزوا را کثرت مردم ایران، علیرغم دشواریهای بنیان افکنی که از روز نخست با آنها روبرو بوده و همچنان از هر سو با انواع تا‌زها این دشواریها دست به‌گریبان است، با کدام ما به‌زنانی و قدرت و تدبیر عمرش را در از کرده و به‌هشت سالگی رسانده‌است؟

گمان می‌کنم یک تحقیق و بررسی همه‌جا نیه‌برای یافتن پاسخ مناسب به زحمتش بیا رزد. قیام ایران، توانایی این کار و تحقیق را دارا گریه کمک نویسندگان‌شان با این تفحص و بررسی را بگشاید خدمتی ارزنده انجام دهد. مسلم است که چون سخن از بخت و وقت نظر و غور و تفحص است جای برای حساسات و شورگه‌گیر و خلجان روح باقی نمی‌ماند. وگرنه مقالات بسیار و آسان‌گیرانه‌ای - چه در مطبوعات فارسی زبان چاپ خارج و چه در مطبوعات خارجی - در این مقوله طبع و نشر شده است که ما ننگاری جمهوری اسلامی را به‌جنده‌مل‌وا‌بسته کرده‌اند. اختناق و جنگ و فریب‌تسوده مردم از جمله این عوامل است که در مقالات مذکور بعنوان دلایل عمده‌ها‌ما حکومت خمینی ذکر شده‌است، اما حقیقت آنست که این نوع راه‌جویی یا یسش می‌لنگد.

با تقدیم احترامات - کاوس میرحزبه

### سینه‌های بی‌شیر را می‌دوشید

روزنامه‌ها مصادر بنده اطلاعات، کوسه‌ای از اوضاع اسفناک روستا‌های ایران را، انگونه توصیف کرده‌است:

امراض سوری و انگلی سلامت محصول و مزارع را تهدید می‌کند، برخی زکام و برونشیت و سایر امراض که به‌دلیل نداشتن سواد لازم و نبود محیط بهداشتی سالم، به‌امراض انگلی‌سایع دردها تا دچار رندوب دامپای خود مرض مشترک دارند. در این روستا‌ها، حمانه‌یک‌ای از ضروری‌ترین وسیله‌های زندگی است وجود ندارد و هستند روستا‌های که سالها نتوانسته‌اند خود را به آب تمیز بوشیند. درمان ودا ر ووبه و بزرگ متخصص و ما‌های قابل‌تیز در حدی نیست که بتوانند دنیا ضروری‌ده‌نشینان را تا‌مین‌کنند و زلف‌شدن بیماران و نوزادان جلوکبری‌کند. بعضی‌ها از کنا و رزان و ودا‌مداران کشور آریما‌ری‌های نیاتنی ودا می‌وحتی انسانی کمترین اطلاعی ندارند و زلف‌شدن او مسما‌نی نیات ووا کسینه‌کردن خود و کودکان‌شان در برابرا مراض مختلف بیگان‌ه‌ویی خیرند و به‌دلیل عدم دسترسی به‌دا‌میزنگ‌ریها روستا‌های دفع آفات، بی‌آزان‌که نتوانند از زبسی ببندیند. محصولان نا‌بودگشته و دامیان تلف می‌شود. زبان بی‌سوادی و نا‌آگاهی برخی از روستاییان و غصب توجه مسئولان موجب شده‌است که اغلب نقاط مزروعی و باغی‌های بودیه‌صورت نیمه‌جان و به‌حالت متروک درآید. آذانه ترویج و اصلاحیات و سا‌زمان دفع آفات، تا‌درینجا موطایف خود نیستند. ما به‌مسئولان همدارمی‌دهیم که در حال حاضر کشور را کمبودگرا نی‌مواد غذایی روبروست و در نهایت سوء تغذیه‌ا‌کسر مردم کشور به‌ویژه کودکان و نوزادان و سالمنان را به‌دنبال دارد. با توجه بدروید افزایش جمعیت با آهنگ موجود هم‌اکنون نمی‌توان وضع نا‌مطلوب‌سالهای آینده را در نظر مجسم‌کرد.

نقل از روزنامه‌ها اطلاعات - ۲۴ دی ماه ۶۵



نواد روحانی

۶۰

# مصدق ونهضت ملی ایران در کساکش چپ و راست توار داد کنسر سیوم

بنادری خارج از آبهای ایران فرستاد تا در دست رس شرکت ملی نفت نیا شده و همچنین از زور و روغن موتور که معمولاً از انگلستان فرامی شد جلوگیری کرد. این کار ممکن بود عواقب وخیمی در بر داشته باشد زیرا در تاریخ خروج انگلیسی ها از ایران موجودی روغن در انبارهای پخش تکافوی بیش از دو ماه مصرف کشور را نمی کرد و اگر شرکت ملی دست اندر کار اقدام قوی نمی شد چرخ های صنعت و وسایل حمل و نقل یکبار ره از کار می افتاد. خوشبختانه شرکت ملی نفت این هردو اشکال را بزودی رفع کرد.

همچنین در مورد وسایل حمل و نقل دریا نیز شرکت توانست با خرید یک کشتی از هلند محموله های نفت را به بنادر جنوب برساند.

از جمله اقدامات دیگری که شرکت ملی نفت بمنظور رفع نواقص سازمان بخش داخلی بعمل آورد توسعه انبارهای نفت در شهرستان ها و مخصوصاً اجرای طرح ساختمانی خط لوله اهورا به تهران بود که از زیر زمین درادرات شرکت سابق بحال تعلیق مانده بود. همه این اقدامات و بخصوص توفیق شرکت در بریکار انداختن دستگاها و تقطیر نفت و تهیه روغن و غیره اعتماد به نفس و انگیزه را در کارکنان ایرانی به هم رساند. قابل توجهی تقویت کرد و این حالت روحی آنها کمک شایسته به پیشرفت شرکت ملی نفت نمود.

در پایان این بخش اجازه می کنم علت اینکه هنگام تأسیس سازمان اوپک در سال ۱۳۳۹ کشورهای نفتخیز عمده جهان سوم که برای تشکیل آن سازمان گرد آمده بودند مقام اول را برای ایران قائل شدند همین وجود شرکت ملی نفت ایران با ده سال سابقه و پیشقدمی ایران در فرسخ قرار داد امتیاز زبوسلیه طرد شرکت بزرگ نفت انگلیس بود.

چند روز بعد از کودتا یعنی در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۳۲ وزیر امور خارجه انگلیس طی یک مباحثه مطبوعاتی که موضوع آن تفهیم و رفع مزبور به عنوان قیام ملت ایران در پشتیبانی از شاه و نه اجرای کودتای نظامی علیه حکومت مصدق بود اشاره به اختلاف نفت کرد و گفت آخرین پیشنهادی که به دولت مصدق تسلیم شد متضمن بهترین شرایطی بود که ممکن بود عنوان شود و اضافه کرد دلیلی نیست که ما آنچه را که به دولت مصدق پیشنهاد کردیم حلاً به نخست وزیر جدید عرضه نکنیم. بنا بر این قصد دولت انگلیس در ابتدا این بود که از آنچه قبلاً به رضایت داده بود عدول کند. بدیهی است که حق هم همین بود و دولت جدید ایران هم همین انتظار را داشت. اما معلوم نیست به چه علت در فاصله شش ماه بعد از کودتا دولت و شرکت نفت انگلیس و دولت آمریکا که مذاکرات کنسر سیوم را با یکدیگر می کردند تصمیم به یک عقب نشینی همه جانبه گرفتند و بطوری که گفته خواهد شد بنا بر این اساس ترتیبی گذاشتند که در این امر با قرارداد های امتیازی فرقی نداشت. حدس نگارنده در باره علت این تغییر جبهه اینست که حسن توفیق شرکت نفت انگلیس به ریاست ویلیام فریزر با لایحه برنظر سیاستمداران و وزارت امور خارجه انگلیس به رهبری آیدن غلبه کرد. قراردادی که این حدس را تأیید می کند در بخش طرح و اجرای کودتای ۲۸ مرداد (زیر عنوان شروع مرحله نهائی نقشه کودتا) ذکر شده است.

با سقوط مصدق و بازگشت شاه و تشکیل دولت زاهدی دوره بحران می شد نفت پیمان یافت. اما حل مسئله نفت محتاج انجام بعضی ترتیبات مقدماتی بود که کمی بیش از یک سال بطول انجام میداد. اولین اقدام در راه ایجاد محیط تجدید مذاکره برقرار ری روابط با انگلستان بود که بنا بر اظهارات طرفین در تاریخ ۱۴ آذر ۱۳۳۲ عملی گردید و دولت پس از تقریباً ۱۴ ماه قطع رابطه به وضع عادی یعنی تبادل نمایندگان دیپلماتیک برگشتند. در تاریخ ۳۰ آذر دنیس ریاست

Denis Wright سیاستمداران را سمت کاردار سفارت و در تاریخ ۲۹ بهمن سر اجرا استیونس Stevens بعنوان سفیر کبیرا انگلیس به تهران وارد شدند. اما دولت زاهدی بدون فوت وقت کمیسیون تحت عنوان مشاوران مخصوص نخست وزیر مرکب از رؤسای سابق و از آن سابق اداره نفت وزارت دارایی تشکیل داد و از آن کمیسیون و همچنین از شرکت ملی نفت خواست که نظریات خود را در باره نحوه تجدید مذاکره اظهار کنند. کارشناسان مزبور نتیجه مطالعات خود را در تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۳۲ به نخست وزیر گزارش دادند. بطور خلاصه مضمون آن عبارت

هنگام خروج انگلیسی ها از ایران و قرار گرفتن تاء سیاست در دست ایرانیان ( اوایل مهر ماه ۱۳۳۰ ) کلیه مخازن نفت در آبادان از فرآورده های گوناگون پر شده بود و چون نفت خام و فرآورده های نفتی صادر نمی گردید دیگر ادا مه کار دستگاها و های پالایش موردی نداشت ولی دستگاها و های دیگر که برای ادا مه زندگی در آبادان و مناطق نفتخیز لازم بود همچنان به کار خود ادامه می دادند و کارمندان ایرانی مسئولیت این دستگاها را به عهده گرفته بدیهی است که سنگین ترین مسئولیت کارمندان شرکت نفت عبارت بود از مرز قبالت موافقت با زتاء سیاست فنی و اما دهنگاه داشتن آنها برای کار رولوبوگیری از رنگ زدگی و خوردگی آنها. با یادآوری این نکته که رنگ زدگی و فساد فلزات یکی از مهم ترین عوامل خسارت در پالایشگاها می باشد اهمیت کاری که طی سه سال بحران ملی شدن نفت توسط کارکنان ایرانی انجام گردید معلوم خواهد شد. شک نیست که اگر ایرانیان در این مورد بخصوص دقت و مواظبت مستمر به عمل نمی آوردند خسارات جبران ناپذیری به دستگاها و های واردی آمد و با وقت لازم می بود تا دوباره همان دستگاها آماده کار گردند. یک ماه بعد از عزمیت انگلیسی ها از ایران هیئت رئیسه پالایشگاها به دولت تصمیم گرفت که یکی از بزرگترین دستگاها و تقطیر پالایشگاها را به راه بیندازد. این دولت یکی این بود که موجودی بعضی فرآورده ها ( از قبیل نفت چراغ و نفت گاز ) که در داخل کشور مصرف می گردید گاهی با فته بود و البته لازم بود که جای این کار دوباره پر شود و دوام این بود که شرکت ملی خواست استفاده از توانائی کارکنان ایرانی را در بریکار انداختن یکی از دستگاها و های مهم پالایش بدون کمک غیر موردی از زمان پیش فراهم و معلوم کند که اگر خریداری ضرورتی برای پیدا شود شرکت تا چه مقدار نفت تصفیه شده می تواند در اختیار داشته باشد. در نتیجه این منظور شرکت با استفاده از کارکنان ایرانی دستگاها و تقطیر پالایشگاها را با ظرفیت آن در حدود روزی ۲ میلیون گالن ( سالی ۳ میلیون تن ) بود بدون کوچکترین پیشامدی دوباره به کار انداخت در نتیجه این آزمایش موفقیت آمیز و مواظبتات دقیق شرکت اطمینان حاصل کرد که می تواند بعد از استفاده از کارکنان خارجی پالایشگاها را تا میزان یک سوم ظرفیت آن بکار اندازد. یعنی سالی تقریباً ۸ میلیون تن نفت تصفیه کند. اما چون خریداری برای صادرات نفت پیدا نمی شود مصرف داخلی ایران فقط در حدود سالی یک میلیون تن بود تجدید عمل پالایشگاها حتی به این میزان محدود و محدود جت نبود.

متعاقب به کار افتادن تقطیر شما ره ۷۰ بعضی دستگاها و تقطیر پالایش برای تصفیه و آماده کردن فرآورده های نفتی حاصل از تقطیر بمنظور تاء مین احتیاجات مصرف داخلی کشور به کار انداخته شد البته چون مقدمات استخراج و تصفیه نفت در این مدت به مقیاس بسیار کمتر از ظرفیت دستگاها و های بود زمان دستگاها و های پالایش استفاده و بهره برداری نمی شود همین کار کردن با ظرفیت کم خود خام و مشکلات عدیده ای در برداشت که در ایروند دستگاها و های با ظرفیت کاملاً معمولاً چنین مشکلاتی را در بر بردارد.

کار دستگاها و تقطیر شما ره ۷۰ در اوایل آذر یعنی پس از یک ماه و نیم متوقف شد و بجای آن دستگاها کوچکتر شما ره ۵۰ به کار افتاد که مجموعاً با زده آن با مقدار رسوبات نفتی مورد احتیاج برای مصرف داخلی کشور تطبیق می کرد از آن مقدار نفتی که هنگام شروع فعالیت شرکت ملی نفت در مخازن موجود بود فرآورده های که مصرف داخلی داشت مرتباً برداشت می شد و فرآورده های دیگر همچنان در دست نخورده در مخازن باقی می ماند. یکی دیگر از اقدامات شرکت ملی نفت در اوایل کار تقطیر بود که با کشیدن یک خط لوله اضافی از نفت شاه به کرمانشاه در وضع استخراج و تصفیه نفت در آن منطقه داده شد با اقدام شرکت ملی نفت در تاء سیس یک لوله اضافی نفت تصفیه شده در دستگاها و تقطیر نفت شاه مستقیماً به کرمانشاه برای حمل به سایر نقاط جهت فروش فرستاده می شد و پالایشگاها و کرمانشاه نیز توسط یک لوله دیگر نفت خام را مستقیماً از زجاها های نفت شاه دریافت می نمود. بدین ترتیب در واقع ظرفیت تولید میدان نفت شاه به دو برابر افزایش داده شد. با این تدابیر و اقدامات دیگری که بعمل آمد شرکت ملی نفت کلیه احتیاجات مصرف داخلی کشور را تاء مین نمود. این نکته واضح است که با برچیده شدن دستگاها و شرکت سابق مهمترین مسئولیت دولت ایران و فوری ترین مسئله عبارت از تاء مین احتیاجات کشور به مواد نفتی بود زیرا کوچکترین وقفه در رساندن فرآورده های مورد نیاز مردم به دورترین نقاط کشور مسلماً موجب اختلال امور روزانه و ایجاد خسارت کلی می گردید. خوشبختانه در این قسمت شرکت ملی نفت توانست توفیق کامل بدست آورد.

در دوره تصدی شرکت سابق هر چند امور جاری بخش بسه ایران تیان سپرده شده بود ولی سر رشته کار یعنی تعیین خط مشی و سیاست کلی توزیع نفت در دست هیئت رئیسه انگلیسی شرکت قرار داشت. شرکت سابق مسئله پخش داخلی را با وسعت نظر تلقی نمی نمود بلکه چون این عمل را متضمن سود قابل توجهی نمی دانست بحد اقل سرما به گذاری در این قسمت اکتفا کرد و نسبت به فراهم نمودن تسهیلات لازم برای تاء مین مصرف روز افزون نفت چنانکه با ید توجه نمی نمود. بنا بر این در تاریخ ملی شدن صنعت نفت با همه کوششی که اداره کل بخش به عمل آورده بود سازمان بخش داخلی خالی از تنگی نبود علاوه بر این شرکت در آخرین مراحل عملیات خود هنگامی که از سازمان دولت ایران تا نا می شد دست به کارهای زده حتی الامکان مور بخش داخلی را مختل سازد. از جمله قسمت عمده وسایل حمل و نقل دریایی را که مواد نفتی به بنادر جنوب حمل می کردند به

از تاء به قانون ملی شدن در حدود شرایط آخرین پیشنها مشترک انگلستان و آمریکا بود اما رفته رفته علائمی ظاهر شد که نشان می داد با تغییر وضعی که روی داده بود دولتین نامبرده و شرکت های تابعه آنها از پیشنهاهای گذشته که مورد قبول واقع شده بود عقب نشینی خواهند کرد. یک نکته که این پیش بینی را تأیید می کرد این بود که کمتر از یک ماه بعد از سقوط دولت دکتر مصدق جرایم انگلستان شرحی در باره تجدید جریا نفت ایران به با زارهای دنیا نوشتند و طرحی به این مضمون عنوان کردند که پیشنها مشترک انگلستان و آمریکا نباید تجدید شود بلکه تولید و صدور نفت ایران با یدیه مجموعی از شرکت های بین المللی ( و نه انحصار شرکت نفت انگلیس ) و گذار شود و عایدی ایران از فروش نفت خود نباید از سهم ۵۰ درصدی مال حال کشورهای دیگر تجاوز کند به این ترتیب واضح بود که شرکت ها چون دیگر مقامی در برابر خود احساس نمی کردند مصمم بودند که ضمن تعدیق صورتی ملی شدن نفت در ایران این کشور را و از ربه قبول همان شرایطی نمایند که در کشورهای نفتخیز دیگر معمول شده بود. سرانجام نیز چنین شد. دولت آمریکا برای فراهم نمودن مقدمات عقد یک چنین قرارداد مشاوران نفتی وزارت امور خارجه خود یعنی هربرت هورور را به تهران فرستاد. Herbert Hoover

تا میزده طی دوهفته از ۲۵ مهر ۱۳۳۲ با مشاوران دولت مذاکره کرد و آنچه گفت تا تئید همان مضمونی بود که در قرارداد انگلستان عنوان شده بود. بعلاوه تاء کید لزوم برداشت غرامت از طرف ایران به شرکت نفت انگلیس و وارد شدن شرکت های آمریکا ( برخلاف میل خود و ملی به تبعیت از ملاحظات سیاسی دولت آمریکا ) در گروه شرکت های ما درکننده نفت ایران یا کارتل بین المللی. بعد از مراجعت هورور به آمریکا وزیر امور خارجه در تاریخ ۳ آذر ۱۳۳۲ دروا شنگتن اظهار نمود که پیشنها دای طرف دولتین انگلستان و آمریکا تهیه شده است که به دولت ایران تسلیم خواهد شد. بطوری که بعد معلوم گردید این پیشنها داصلاً همان طرحی بود که جرایم انگلستان پیشگویی کرده بودند و هورور به دولت ایران تلقین نموده بود.

دولت آمریکا در بهمن و اسفند ۱۳۳۲ دو کارشناس نفتی یعنی تورکیلد ریبور Torchild Rieber و دونیپورت Davenport را بعنوان مشاوران و ریویزور برای راهنمایی و کمک به مقامات نفتی ایران به تهران فرستاد. این دونفر طی مدتی با تحمیل هزینه های به بودجه شرکت ملی نفت با مشاوران دولت مذاکره کردند ولی هیچگونه نظر مساعده نسبت به خواسته های ایران نشان نداد بلکه همان نظریه شرکت های بزرگ را به سرسختی تاء م و حتی خشونت اظهار نمودند و سعی کردند دولت را متقاعد کنند که نمی تواند از حدود معمول در سایر کشورها قدم فراتر برد. در بهمن ماه ۱۳۳۲ گروه شرکت های که برای دوباره جریا ن انداختن نفت ایران در لندن گرد آمده بودند دیدگ هیئت فنی بیست نفری ( مرکب از هفت نماینده از طرف شرکت نفت انگلیس، نه نفر از طرف شرکت های آمریکا، دو نفر از طرف شرکت شل و دونفر از شرکت نفت فرانسه ) تعیین نمودند که برای معاینه تاء سیاست ایران و تهیه گزارش در باره وضع آنها به خوزستان بروند و نمایندگان مزبور روز ۲۲ بهمن وارد آبادان شدند و بین آن تاریخ ۲۹ بهمن که ایران را ترک کردند دهه اسفند سیسات مناطق را با زدید نمودند. قبل از حرکت از ایران در جلسه ای با سهام السلطان بیات مدیر عامل شرکت ملی نفت با حضور نگارنده ملاقات کردند و ضمن تحمیل نظر فرادان از طرف عمل کارکنان ایرانی شرکت گفتند که دستگاها و های عیب و نقصی یافته اند و تصحیح کردند که تجدید عملیات بدون تغییر قابل توجه در تاء سیاست و با یکبارگمانا فقط تعداد کمی کارکنان فنی خارجی ممکن خواهد بود.

در اوایل اسفند دولت انتظار داشت که مبعوثی بزودی برای شروع مذاکرات به تهران خواهد آمد. بنا بر این در تاریخ ۲۲ اسفند یک کمیسیون فنی تشکیل داد که مطالعات لازم را برای مذاکرات آینده ضمن مسورت با ریپور و دونیپورت، بعمل آورد. اعضای این کمیسیون عبارت بودند از: عطاء الله اتحادیه دکتر رضا فلاح، فتح الله نفیسی و نگارنده. جلسه اول این کمیسیون تحت ریاست دکتر مینی با حضور سها م السلطان بیات مدیر عامل شرکت ملی نفت و مشاوران آمریکا تشکیل شد. این جلسه تاء مین نیز هر چند روز بدون حضور دکتر مینی و بیات تشکیل می شد و اعضای کمیسیون سؤالاتی در خصوص معاملات نفتی و درآمد

در تنظیم این بخش از فصل مربوطه کتاب تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران تاء لیف نگارنده استفاده شده است.

### تلفات سنگین بمبارانها

بقیه از صفحه ۳

جولان دادند و ابتدا با گازهای رنگی متما عدا زهوا پیمان نام "صدام" را برپهنه آسمان شهر نوشتند و سپس به کوبیدن شهر پرداختند. تعداد تلفات در این بمباران و بمبارانهای بعدی این شهر وحشتناک بود. بی حساب توصیف شده است. به قول یکی از اهالی "عراقیها آخر الزمان را نشان برورجیدها دادند."

در همین حال روزنامهها پراست از آگهیهای تبریک و تسلیت شهدا، در میان آنها به فرزندان چندا تمهه جمعه بر می خوریم. از جمله کشته شدگان حملسه کربلای ۵ در تلجمه، فرزندی نقی خاموشی، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران است. اینها نشانها نیست که رژیم برای بسیج نیروها و فراد خودی نیز روی آورده است. این روزها تمامای رگانهای رژیم، غمزدولتی و غیردولتی، طی بخشنامههایی موظف به تهیه تدارکات و وسایل مورد احتیاج جبههها شده اند و همان حال منعهد گردیده اند که برای بسیج نیروها آستینها را بالا بزنند. رژیم معمولا " برای تحریک و ترغیب مردم، گاه افراد را برای چندین بار به جبهه میبرد و با زمی گردانند تا فراوانی افراد و طلب را به نمایش بگذارند، ولی بالا بودن میزان تلفات از یکسو و وفور تعداد مجروحین هم منافع نیرو را کاهش داده و هم هراس در بین مردم برانگیخته است. تقریبا " در تمام شهرهای ایران که دارای بیمارستان مجهز هستند، مجروح جنگی بستری شده است. تنها در بیمارستان امام

خمینی تبریز ۵۰۰ مجروح جنگی بستری شده. این کار با مرخص کردن تمامی بیماران، بجز چند تن معدود و بیمار قلبی که در سی.یو بستری هستند، صورت گرفته است. در بیمارستانهای تهران که قرار بود فقط یک بخش برای بستری شدن مجروحین اختصاص یابد، بخاطر بالا بودن تعداد مجروحین دو بخش به این کار اختصاص یافته است. در حالی که جنگ در اردو رده هفتمین سال خود میشود و خونریزی و خرابی و وحشت همچنان ادامه دارد، خبرهایی که از بیمارستانها میرسد حکایت از آن دارد که مصرف مرفین در میان مجروحین جنگی بشدت افزایش یافته است. پزشکانی که این نکته را گوشزد میکنند، افزایش مصرف مرفین را نه بعلت دردناکی از جراحت، بلکه بخاطر نرسیدن زروانی مجروح به فراموش کردن مناظر وحشتناک جنگ و از یاد بردن صحنه های جانناشی میداند که بیشتر به جهنم شباهت دارد تا به جنگ. همین پزشکان اعلام خطر میکنند که در آینده، در کنار تعداد بسیاری معلول و مجروح جنگی، تعداد افزون آرمساری معتاد به مواد مخدر خواهد داشت. جامه فردا، روزی که جنگ پایان یابد، از هر لحاظ تاریک تر از امروز است که جنگ ادامه دارد.

## اهمیت استراتژیک ایران

وایس گراوتاریک اندیش را به کشورهای دیگرما در کند، و اگر نتوانست، دست کم ثبات بین المللی را برآشوبد.

رژیم تهران در این رهگذر، از نقطه های آسیب پذیر نظام ارتباط بین المللی سودبرمی گیرد. این نقطه ها البته آسیب پذیرند، ولی نمی توان از آنها به عنوان نقطه های ضعف واقعی یاد کرد. به عنوان نمونه روزی که هوا پیمان را برای سهولت در ارتباط بین المللی بکار گرفتند، فکرمی کردند کسی به فکر هوا پیمان را بیفتد. یا روزی که کارگزاران فرهنگی دانشگاه بیروت را درست کردند، کسی در این اندیشه نبود که کسی ممکن است استنادان دانشگاه را به گروگان بگیرد.

نمی خواهیم بگوئیم که تروریسم در مناسبات بین المللی با رژیم تهران با به عرصه وجود نماند. ولی مسلم است که با بقدرت رسیدن این رژیم، تروریسم ابعدی چنان گسترده یافته است که برای از بین بردن آن، چاره ای جز این نیست که به قلب رژیم حمله شود.

روزگاری نیز از هژان دریا شیا منیست کشتیرانی بین المللی را برمی آشتند. ولی کشتیرانی بین المللی متوقف نشد، دزدان دریائی از بین رفتند. امروز نیز چنین است، ارتباط های بین المللی از بین نخواهد رفت، ریشه تروریسم خشکا نده خواهد شد.

سوئد برای جمهوری اسلامی بسیار رگران تمام خواهد شد. خبرنگاران میز می نویسند: مقام های کاخ نوبوفورس سا زنده تسلیمات نظامی به پلیس سوئد گفته اند که:

آقای پالمه و سلف دریا سالار لگرون هر دو در شورای نظامی ارتش سوئد و فروش جنگ افزار عضویت داشته اند و از ارسال تسلیحات نظامی به جمهوری اسلامی از طریق یک کشور ثالث با خبر بوده اند. شاهان عینی نیز به پلیس سوئد اطلاع داده اند که دریا سالار لگرون در برابر چشمان شان به قتل رسیده است. بهر تقدیر، دلایل قتل او نتیجه تحقیقات کمیسیون ویژه شناسایی عاملان قتل نخست وزیر سوئد هر چه که باشد، بهر جا معیبه آزرده، متهمان و با فرهنگ همچون سوئد که از زخونت کور و بست های سیاسی بدور بوده است، آسری ناخوشایند خواهد داشت و زخمی عمیق از خود برجای خواهد گذاشت.

تا میز لندن - ۲۹ ژانویه ۸۷

### رایدو ایران ساعت های پخش برنامه

برنامه اول
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتنا - ردف های ۲۵ متر (فرکانس ۱۱۷۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتنا و ردف های ۲۱ متر (فرکانس ۱۲۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷ کیلوهرتز).
برنامه دوم
ساعت ۶/۵۵ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتنا - ردف های ۱۹ متر (فرکانس ۱۵۶۵ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۲۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۲/۵۵ تا ۲۲/۵۵ به وقت تهران روی امواج کوتنا و ردف های ۲۱ متر (فرکانس ۱۲۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷ کیلوهرتز).

رژیم تهران می خواهد چنین وانمود کند که اهمیت ایران به اعتبار حکومتی است که امروزه با خود را در آنجا برپا کرده است. ولی آیا برآستی چنین است؟ از آن که چنین ادعائی دارند باید برسد برسد ایران اهمیت چندا شبه خود را پس از بقدرت رسیدن رژیم اسلامی بدست آورده است؟ نیز از آن که باید پرسید اگر فردا رژیم اسلامی، مطابق سرنسوسشت ناگزیری که در انتظار آن است، سقوط کند، ایران نیز اهمیت خود را از دست خواهد داد؟

گمان نمی رود که حتی ملاهای به حکومت رسیده نیز جزءات کنند به این پرسشها پاسخ مثبت دهند. و درخور توجه است که کارشناسان بین المللی هنگامی که اهمیت ایران را مطرح می کنند و بر آن پای می فشارند، بیشتر آینه اند. ایران را در نظر دارند تا حال آن را. آن وقت که از آینه اند. ایران - یا ایران آینه - سخن می گویند، در متن کلامشان ایسرا رها شده از رژیم کنونی مندرج است.

منظور ایرانی است که خواهد گفت و با فعل آورد در این منطقه، مهم همان نقشی سواي آن بازی کند که امروزه ایسرا رها شده از رژیم کنونی مندرج است. امروزه ایران درجهان به عنوان کشوری شناخته شده است که می خواهد با آمیزه های از زور نظامی، تهدیدهای تبلیغاتی و اقدام های واقعی تروریستی، یک انقلاب

در ساحل خلیج فارس، ایران بیگمان و با فاصله زیاد از دیگران، مهمترین کشور است. برآستی اهمیت ایران از کجاست و به چیست؟ به موقعیت جغرافیائی - سیاسی آن؟ به منابع طبیعی آن که در جهان در شمار غنی ترینهاست؟ به نیروی انسانی آن و هوش و فراست مردم آن؟ یا به رژیمی که امروز بر آن حکم میراند؟

کارشناسان اموری بین المللی و مفسران سیاسی اهمیت ایران را در این میدانند که در منطقه ای قرار گرفته است که از حساس ترین مناطقی است. وقتی از کشوری مهم در منطقه ای حساس سخن می گوئیم، این بدان معنی است که دگرگونیا در جهت گیری سیاسی خارجی آن می تواند از استراتژیک بین المللی را که نظام جهانی بدان استوار است، بهم بریزد. امروزه گرچه مناسبات بین المللی چنان گسترده و درهم تنیده است که تقریبا " هیچ کشوری را نمی توان یافت که دگرگونیهای آن در تسوازن استراتژیک جهانی تاء شیری نداشته باشد. با اینهمه تمامای کشورها از این حیث به یک درجه اهمیت نیستند.

بقدرت می توان سرزمینی را مانند ایران یافت که سرنسوسشت آن در سرنسوسشت کشورهای دور نزدیک تاء شیری منتهی داشته باشد. و این تنها به علت اهمیت استراتژیک ایران نیست. در اینجا است که نیروی اقتصادی، نظامی و انسانی آن نیز همان گونه به حساب می آید که موقعیت استراتژیک آن و تنها در ارتباط با اهمیت ایران از دیدگاه های گوناگون است که رژیم امروز تهران در کانون توجه بین المللی قرار می گیرد.

### عوامل جمهوری اسلامی دست داشته اند

## مرگ اولاف پالمه

وجود داشته باشد. دریا سالار نامبرده یک مقام عالی رتبه غیر نظامی بوده است که در ملاقات جنگ افزا رنقش مهمی بر عهده داشته است. وی در هفته پیش، با زنده زانو به قتل رسید. نظریه دیگری که در باره این مرگ مشکوک وجود دارد، از برتاب شدن نامبرده به زیر چرخ های قطار ایستگاه مرکزی متروی استکهلم خبر می دهد. طرفداران این نظریه برای این باورند که قاتل یا قاتلان می خواهد استه اند و از افشاکری پیرامون معاللات غیر قانونی اسلحه با جمهوری اسلامی یا زارند. نشریه فرانسوی اکسپرس هم در ماه آبان گذشته خبر داده بود که نخست وزیر سوئد را عوامل جمهوری اسلامی به تلافی شکست معاللات غیر قانونی اسلحه به قتل رسانیده اند.

در حقیقت نخستین بار، شورای صلح و حکمیت سوئد از این ماجرا پرده برداشت و پس از آن نشریه نظامی میلیتاری بلانس فاش ساخت که جمهوری اسلامی به طور غیر قانونی از سوئد موشک های پیشرفته و بسیار مدرن را، ب.ا.س - ۷۰ دریافت کرده است. پیش از این نیز بارها از ارسال جنگ افزار سوئدی به جمهوری اسلامی سخن به میان آمده است. می گویند موشک های پیشرفته ا.ب.ا.س - ۷۰ برای درهم شکستن پرتوی هوایی عراق بسیار ربی اهمیت و حیاتی است و عدم ارسال قطعات یدکی موشک های مزبور از جانب

خبرنگار روزنامه متا میزچاپ لندن از استکهلم می نویسند: این روزها سخنان بسیاری در باره امکان دخالت و شرکت عوامل جمهوری اسلامی در حادثه قتل نخست وزیر سوئد اولوف پالمه بر سر زبانهاست. کمیسیون ویژه دربارلمان این کشور برای رسیدگی به جزئیات حادثه و شناسایی عوامل اصلی و مجریسان این تروریسم بقدرت ریخ معاصر سوئد تشکیل شده است. از دیدگاه آقای اولوف یوها نسون رهبر فعلی حزب میانه روی این کشور، کمیسیون نامبرده به کمیسیون ویژه وارن که برای شناسایی عاملان قتل جان اف کندی سی و پنجمین رئیس جمهوری آمریکا به وجود آمده است، در به گفته " این سیاستمدار سوئدی منتهی تحقیقات مزبور، رئیس پلیس استکهلم آقای هانس هولمورودا دستا نی کل کشور را نیز در برمی گیرد. از نظر او، آنجا چنین تحقیقاتی در فضای کنونی سوئد از اهمیت خاصی برخوردار است. خبرنگاران میز می نویسند: این روزها در فضای بحرانی سوئد مهم ترین نظریه ای که وجود دارد، مساء له دخالت و شرکت عوامل جمهوری اسلامی در حادثه قتل نخست وزیر سوئد است. به گفته " رهبر حزب میانه روی سوئد: باید میان حادثه قتل آقای پالمه به تارخ بیست و هشتم فوریه ۱۹۸۶ و مرگ اسرار آمیز دریا سالار لگرون ارتباطی

اجلاس عادی شورای

نهضت مقاومت ملی ایران

بقیه از صفحه ۱

پس از سخنان چند تن از اعضاء، شوری وارد دستور شد. ابتدا نظریه پان یان گرفتن دوره یک ساله موریته هیئت رئیسه، برای تعیین هیئت رئیسه جدید اخذ رای بعمل آمد. در نتیجه رای مخفی، آقای دکتر شاپور بختیار مجدداً به ریاست شوری انتخاب گردید. سپس برای تعیین دوتا یب رئیس رای گیری شد و آقایان احمد میرقندرسی و مهندس کاظم جفرودی، برای یک دوره جدید، به اکثریت آراء به سمت نسواب رئیس انتخاب شدند.

موج بسازانها:

قیم و اصفهان هدف هرروزه

بقیه از صفحه ۱

زمین نشست و تعدادی از اهالی را کشته و یا زخمی ساخت ولی دربار تلفات خسارات وارده آمار دقیقی منتشر نداشت. از هنگام آغاز عملیات موسوم به کربلای پنج این هفتمین موشکی است که ایران به سوی بغداد پرتاب می کند. از هنگام آغاز عملیات کربلای پنج هواپیما های عراقی با ۱۲۰ پرواز ۲۸ شهرا ایران و از جمله تهران را بمباران کرده اند. شهر مذهبی قم طی این مدت هدف بار هدف بمباران هواپیما های عراقی قرار گرفته و هم ریک از شهرهای اصفهان و دزفول شانزده بار بمباران گردیده است.

رادبوا اسرائیل

ابواب مرد شماره ۲ الفتح

گروهکهای تروریستی

بقیه از صفحه ۲

تصمیم گیری در باره این مسئله با توجه به آنکه در حین عملیات، یک پلیس کشته و یکی دیگر قتل شده است، بسیار دشوار است. مسئولان فرانس در مقابله با انتخاب دشواری قرار گرفته اند: آیا آنکه با پیدای زقانون و اصول تجساز کنند و بین زندانیان را آزاد سازند، در غیر این صورت با پیدگروگانها پیشان را فراموش کنند. حل این مسأله امروز بهیچوجه نزدیک بنظر نمی رسد. نقاش جزبا غفور رئیس جمهوری فرانسو میتران آزاد نخواهد شد و رئیس جمهوری برای این منظور منتظر درخواست کتبی دولت شیشراک است.

اعتراض ابتکاری

مردم شهری با یک اقدام استکاری یکی دیگر از طرح های جمهوری اسلامی را عقیم گذاردند. بنا به یک گزارش چند پیش ستادی موسوم به ستاد خبرگیری کمیته انقلاب اسلامی شهری، به منظور جمع آوری اطلاعات صندوق های دگوشه و کتار شهر نصب کرد و از مردم خواست تا اخبار مربوط به مخالفان رژیم را درون این صندوق ها بیا نندازند. این اقدام با سخندندان شکن مردم شهر ری روبرو شد، بدین صورت که مردم تاکنون این صندوق ها را با اوراق سفید زباله یا شاعرهای قدرت پر کرده اند. مسئولان کمیته شهری که از این پاسخ جانانه مردم به خشم آمده اند تصمیم گرفته اند که این صندوق ها را از نقاط مختلف شهر جمع آوری کنند.

رادبواکتیو در هواد غذایی

بقیه از صفحه ۳

مرکبچه های یسان از کرسکی باشند. در نتیجه سیر خشک با کراهونا کزیرد ارد مورد مصرف قرار نمیگیرد، اما عظای کره وینر دولتی را مردم به لقای آن بخشیده اند. در ماه های بائیز، مرکومبی که مصرف ماهی های مسموم در تهران موجب آن شد، مردم را سختی نسبت به حسن نیت و کفایت ما، موران رژیم بی اعتمادا دکرد. در این ماهها رژیم از طریق سازمان تهیه و توزیع خود مقدار معتنا بیی فیله ما هی جنوب دربار از توزیع کرد. مرک دسته - جمعی یک خانواده هست نغری که بیسه دنبال مصرف این ماهی ها اتفاق افتاد و مسمومیت ها و مرگ و میره های بعدی

خانم تاجر راست نمی گوید

بقیه از صفحه ۱

توجه شما را به ترجمه نام رهبر حزب لیبرال انگلستان خطاب به خانم نخست وزیر انگلستان جلب می کنیم. نام آقای دیویدا استیل نماینده مجلس نمایندگان انگلیس و رهبر حزب لیبرال بخا نام رگرت تا چرنخست وزیر انگلیس در باره تحویل اسلحه به رژیم خمینی مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۸۶ نخست وزیر عزیز، در تعقیب نام مورخ ۳ دسامبر بعنوان شما و با سخ مورخ ۴ دسامبر بعنوان اینجانب. با توجه به اطلاعات مکشوفه در روزهای اخیر این پاسخ شما تنها می تواند ندیده عنوان یک نام خلاف واقع توجیه شود. در نام مزبور شما موضع و ادعای خودتان را بر یک اساس حقوقی محدود قرار داده اید با اینصورت که "دلیلی مبنی بر صدور غیر قانونی و سائل نظامی و همچنین" دلیلی داثربرنقض قوانین انگلیس" نداشتاید.

درخواست اشتراك

بهای اشتراك: يك ساله ۲۴۰ فرانك فرانسه -

شش ماه ۱۲۰ فرانك فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب ( نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین ) نام خانوادگی: Nom نام خانوادگی: Prénom آدرس: Adresse

مایلیم نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به صورت ماهیانه به حساب بانکی من بفرستد. به حساب بانکی من بفرستد. نام و نام خانوادگی من: نام و نام خانوادگی من: شماره حساب بانکی: شماره حساب بانکی:

QYAM IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS شماره حساب بانکی: QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compte No: 11624700200

توجه لازم

تصاندا در تقامهای اشتراك را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نام و نام خانوادگی من: نام و نام خانوادگی من: شماره حساب بانکی: شماره حساب بانکی:

وخیم تر از آن این مطلب است که دولت علیا حضرت ملکه ظاهرا از اینکه ناسند مرکز ملی معاملات اسلحه با یک رژیم تروریستی شده حالت بی تفاوتی اختیار نموده است. دولت نمی تواند در قبایل دولت های تروریستی لیبی و سوریه دست به تحریم بزند و یا یک دولت تروریست دیگر مثل ایران دست به یکی شود و در نظار جاعه بین المللی بنحوقا حشی دوروشناخته نشود. حال شما با ید آنچه را که در باره معاملات اخیرا اسلحه با ایران می دانید بطور آشکار اعلام دارید. من همچنین از شما اطمینان می خواهم که اقدامات لازم را برای تعطیل دفتر خمینی در لندن که وجود آن در انگلستان کاملاً ملامت ایراسیاست اعلام شده دولت در باره تروریسم بین المللی و جنگ ایران و عراق میباید بعمل آورید.



همه پیمان عزیزان هر روز تلفن خبری نهضت مقاومت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۲ در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می دهد. ۴۰۵-۹۰-۴۰۵ پاریس

بقیه از صفحه ۱

کسانی که قانون اساسی جمهوری اسلامی را در مجلس خبرگان اول می نوشتند بیه خیال خودشان می خواستند یک مرجعی مثل کمیته های تحقیقاتی در پارلمان های جهان غرب پیش بینی کنند که بتوانند با اختیارات فوق العاده، از همه حساب بکشند و همه را از آن حساب ببرند. چیزی شبیه همین کمیته ای که آلان در آمریکا بیه پرونده و روابط بینانی کاخ سفید با رژیم آیت الله رسیدگی می کند و حتی رئیس جمهوری را می تواند حاضر کند و از او توضیح بخواند. البته، این هم از خیالات خوش فرنگ رفته ها و فرنگ دیده ها و ایده آلیست های بی بود که توجه نداشتند آخوندها چه آشی دا رند می پزند و خرشان که زبل گذشت با این قبیل اصول قانون اساسی چه خواهند کرد.

بهر حال، قانون اساسی از تصویب گذشت و جمهوری اسلامی پا گرفت و بر طبق قانون اساسی، این حکومت هم دارای مجلس است و هم دارای کمیسیون اصل نود. اما در شرایطی که وکلای مجلس اگر از دولت سؤال کنند طوفان خشم مقام رهبری بر سرشان فرود می آید و مجبور میشوند سؤالشان را پس بگیرند و توبه نامه بدهند درگاه ملائک جایگاه امامت و ولایت بنویسند، از کمیسیون اصل نود چه معجزی برمی آید؟

حاجی که شتر بود بیه یک قاز خرقیمت واقعی ندارد!

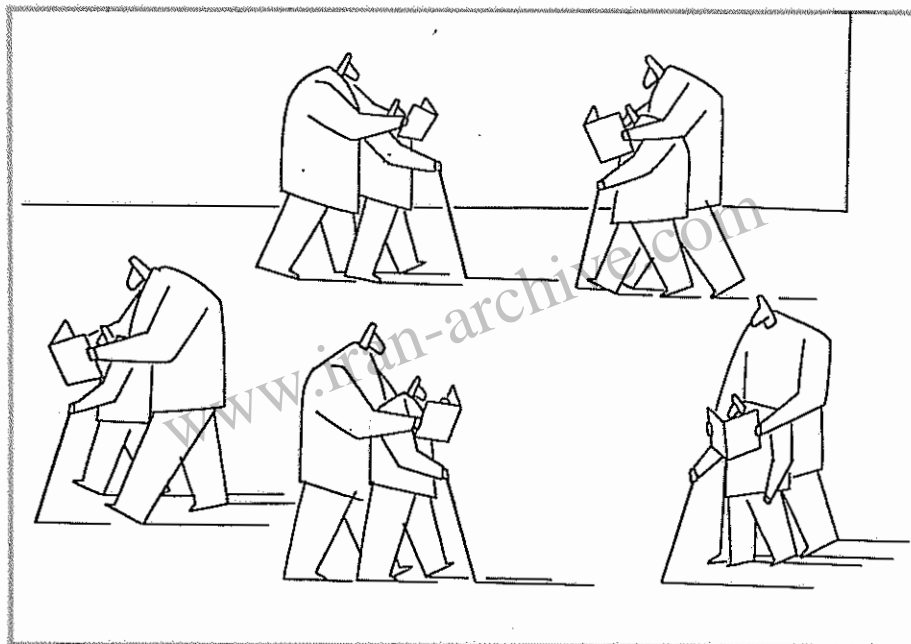
با همه این احوال کمیسیون اصل ۹۰ میبایستی لااقل یک جا، در یک موردی، دست از استین بردارد و خودی نشان بدهد. اما کجا و چگونه؟ بقیه کمیسیون را می توانست بچسبید؟ دربار ره قرار داد الجزا یر میتوانست تحقیق کند یا در خصوص سفر مرک فارلین؟ راجع بیه معاملات اسلحه میتوانست پیگیری کند یا معاملات نفت؟ در بنیاد دستمضعفان میتوانست بعنوان تحقیق سرفرو کند یا بنیاد دهشید و حساب شماره ۱۰۰۰ اما م؟ از شیخ صادق خلخالی میتوانست راجع به نقله کاریهایش در قضیه مبارزه با مواد مخدر توضیح بخواند یا از سید مهدی هاشمی در زمین ریخت و با شیا پیش در سازمان حمایت از جنبش های رهایی بخش؟

در میان تمام سازمان های موجود، سر بی حاجی که کمیسیون اصل ۹۰ بدست آورد آن را قابل تراشیدن تشخیص داد، کله کچل شرکت ایران خودرو یا ایران ناسیونال سابق بود. کمیسیون اصل ۹۰ به تصورات اینکه شرکت ایسران خودرو ما حاجی نداد و سرسیمش مستقیما" با بیت امام و دفتر آیت الله منتظری متصل نیست و رسیدگی به تخلفات آن در حکم تضعیف دولت و ایجاد شکاف در صف فشرده امت اسلام و اخلال در کار جبهه ها و تنزل روحیه رزمندگان محسوب نمیشود، شکایاتی را که از وضع تولید و توزیع اتوموبیل های ساخت ایران خودرو خرید و فروش قطعات یدکی اتوموبیل دریافت داشته بودیم عرض پیگیری گذاشت. هیئت از طرف کمیسیون ماء مورشده وضع شرکت را

دسته گل آقای وزیر!

بررسی کند. حجت الاسلام های که بیه نمایندگی از طرف کمیسیون برای رسیدگی به دفاتر و زیاده های شرکت ایران خودرو رفته بودند پس از چندین هفته صرف وقت گزارش دادند که این کار، یک کار فنی است و رسیدگی بدان احتیاج به همکاری افراد متخصص دارد. این بار، کمیسیون اصل نود تعدادی حسابدار و خبره فیلمبرداری و عکاس با نمایندگان خود همراه کرد که رفتند و دفاتر شرکت ایران خودرو را مورد بازرسی قرار دادند و از نمایندگان شرکت با زدید کردند و مدیران و مسئولان قسمت های مختلف را به سؤال و جواب

عملکردها عمیقا" تحت تا" شرف قرار میداد. آنچه بر میزان این تا" شرف می افزود تکرار حساب شده این اتهامات در طول گزارش بصورت ترجیع بند، با استناد به اسطه رات دست اندر کاران دوشرکت، تکیه بر روش های استفا ده شده در تهیه این گزارش مانند مشاهده عینی و فیلمبرداری و حضور در محصل و نهایتا" تا" کید بر وسایل و ابزار متعددی بود که در تهیه آن بکار گرفته شده است از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دو تن از کارشناسان خبره و غیره و از همه تا" شرف ترا نگیز تر وقتتی بود که گزارشگر جا مقایسه عملکرد این دوشرکت را پس از



انقلاب شکوهمند اسلامی در لابلای سطور با زمان طاعتی را نمی کرد که ظاهر هر انسان انقلابی و آزاده ای را آزرده میساخت... بدنبال این مقدمه، برای اینکه از نظام جمهوری اسلامی رفع اتهام بعمل آید و خدمتگزاران و روحیه خدمتگزاران در نظام مدمه نبینند، آقای وزیر بازرگانی مشروحا" استدلال می کنند که تهیه کنندگان گزارش، یعنی اعضای کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی، و کارشناسان و حسابدارانی که با آنها همکاری داشته اند

نشانند و گزارش مبسوطی را به ضمیمه عکس ها و فیلم ها و اسطه رات و صورتجلسات، حاکی از سوء تدبیر و سوء استفاده در شرکت ایران خودرو و شرکت "گواه" وابسته به وزارت بازرگانی در اختیار کمیسیون قرار دادند. بر مبنای این گزارش، کمیسیون اصل ۹۰ قانون اساسی تحقیقات دیگری بعمل آید و در پایان گزارش در دو روز اروپا نصدا بگیرد، گزارشی در دو روز اروپا نصدا کلمه انتشار داده که اکنون وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی آن را یک گزارشی باوه و مبتذل و جاهلانه و مغرضانه می خوانند! وزیر بازرگانی در جواب بیه خود می نویسد: "این گزارش سئوالات و ابهامات متعددی را در مورد مدیران دوشرکت ایران خودرو و گواه، کمیت و کیفیت خرید های داخلی و خارجی آنها، نحوه توزیع، چگونگی انبارداری، روش قیمت گذاری، میزان مالیات های پرداختی و مبلغ سود حاصله این دوشرکت در ذهن مستمع مطرح می کرد که بطور طبیعی هر شنونده منصفی را از این بظا هر سوء

"هر" را از "بر" تشخیص نمی دهند. مثلا" آنقدر از مرحله بر شنده نمی دانند چیزی بنام "جمعیه قرمز" در اتوموبیل وجود ندارد تا بحث گرانگی و ارزانی و مرغوبیت و عدم مرغوبیت آن مطرح باشد یا اینکه در گزارش نوشته اند در سالهای ۶۱ و ۶۲ بیست و هفت هزار میل لنگ وارد شده است در حالی که از زمان وقوع انقلاب اسلامی تا پایان سال ۶۲ کل تعداد میل لنگ های خریداری شده و وارد شده ۲۴۰۷ عدد بوده است. ۲۴۰۷

کجا ۲۷۰۰۰ کجا! کسی که جوابیه مشروح وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی را می خواند طبعا" به این نتیجه می رسد که شرکت ایسران خودرو و شرکت ایران گواه اما نشان از هرگونه اتهامی میراست و مدیران و مسئولان هر دوشرکت در باره کی درستی همانند ورق قرآن و پیراهن بسی درز مریم اند. هر شکایتی هم که از ریخت و پاش وبی نظمی و سوء استفاده در خرید های دوشرکت و تولید و توزیع

اتوموبیل و قطعات یدکی، احتمالا، به کمیسیون اصل ۹۰ رسیده باشد مفرضانه و بی پایه بوده است.

اما اگر استدلال آقای وزیر بازرگانی را قبول کنیم آنوقت ناچاریم بپذیریم که نمایندگان کمیسیون اصل نود قانسون اساسی در مجلس شورای اسلامی بر اساس شکایات مهمل و غرض آلود، برای اینکه نظام انقلابی را تقبیح و نظام مطلقوتی را تقدیس کنند، دو سال وقت خودشان و دیگران را به پرداخته اند و گزارشی نوشته اند که به لعنت حق نمی آزد و سراپا پیش جعل است و افترا و دروغ.

یکی پیش قاضی شکایت برد که فلان کس مرادش نام داده و گفته است ولدا لزنه، قاضی پرسیدش اهدی بر ادعای خودداری؟ گفت آری. شاه را آوردند، گفت من شنیدم که فلانکس به این شخص دشنام داد و گفت قرماق.

قاضی قلم را بر زمین گذاشت و گفت: این ولدا لزنه ادعای می کند، آن قرماق شهادت می دهد. من در این میان چه حکم کنم؟!

شما بین کمیسیون اصل ۹۰ و وزیر بازرگانی جمهوری اسلامی چه حکم می کنید؟

رژیم رفتنی است

شوید.

هموطنان، سالگرد دهه باصلاح فجر انقلاب اسلامی خمینی جز با دور آغا ز فجا بیع یک مشت بی وطن در این آب و خاک نیست، مبارزه و مقاومت را گسترش دهید - ایران هرگز نخواهد مرد. هموطنان ما در اعلامیه های اعتراضی خود هم چنین یاد آورده اند: حاصل میلیاردها دلار حراج نفت، مرگ، ویرانی، قحطی، وحشت و جنگ بی حاصل و ویران گراست، جوانان با یدزنده

در آستانه سالگرد انقلاب اسلامی هزاران برک حاوی شعراهای نهضت مقاومت ملی ایران و به طرفداری از احزاب کمیت ملی و در محکومیت جمهوری اسلامی توسط مردم در تهران - قزوین و کرج بخش شد. نمونه شعراهایی که در شهرهای یاد شده بخش گردیده است از این قرار است: هموطن، رژیم رفتنی است برای تدارک ضربه نهائی مبارزه و مقاومت را گسترش دهید. با سدازان مرگ رژیم قطع است با ملت همدا

ایران هرگز نخواهد مرد

نشانی:  
QYAM IRAN  
C/O C. B.  
17, bd RASPAIL  
75007 PARIS  
FRANCE